همشهری محله
مناطق ۱ ۲ ۳
پهنه شعاعی
شهر تهران

رفع‌خطر و ایمن‌سازی این گودها
در دستور کار شهرداری منطقه۳ قرار گرفته است

ضرب‌الاجل به مالکان گودهای پرخطر

ایمن‌ســازی، رفع خطر یا از سرگیری ســاخت بنا در چند گود پرخطر منطقه ۳ سال‌هاست که به درخواست اصلی ساکنان نزدیک گود، اهالی و شورایاران این محله‌ها تبدیل شده است.
صفحه ۱۴

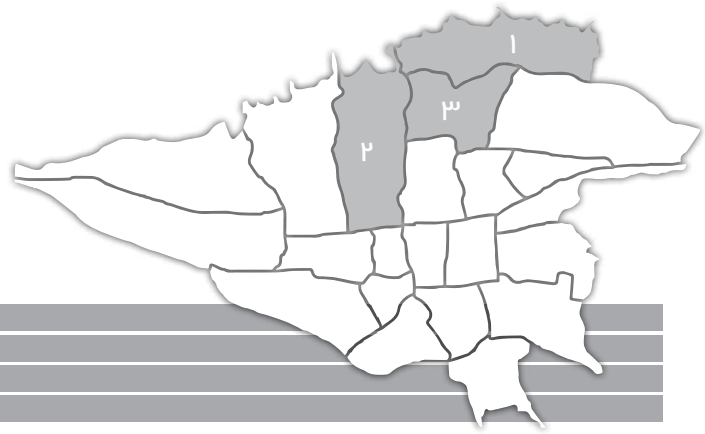

شنبه
۴ بهمن ۱۳۹۹
سال شانزدهم/ شماره ۷۸۸
۱۶صفحه

دیدار با فرح اصولی
مینیاتوریست برجسته و همسایه ما در شهرک غرب

اینجا قرار بود محله‌ای آرام و دنج باشد

صفحه ۸

عکس: محمد توکلی

گفت‌وگو با «بهرام زارع قربانی»
مدرس آموزش موتورسواری

آموزش ببین، ایمن بران!

موتورسیکلت وسیله‌ای است که می‌تواند در کمترین زمان ممکن و حتی شاید شـــما را از لابه‌لای حجم وسیع ترافیک تهران به مقصد برساند؛ به مقصد رســـیدنی که چندان هم امن و بی‌خطر نیست. «بهرام زارع قربانی» یکی از موتورسواران حرفه‌ای و مدرس و مربی رسمی فدراسیون موتورسواری...
صفحه ۶

شیوه طراحی و انتخاب مصالح در ساختمان‌های شهر تهران
به روایت داور دومین نمایشگاه و همایش نما

وقتی معماری حال شهر را خوب می‌کند

طراحان، معماران و مسئولان شهری بار دیگر در کنار هم جمع شدند تا با همفکری بتوانند برای ساختمان‌های...
صفحه ۱۲

یادداشت

کامران عیدلی
جانشین معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی

خلاء قانونی و دست‌های بسته آتش‌نشانی

با یک حساب سرانگشتی می‌توانیم بگوییم که در پایتخت حدود یک میلیون پارسل ساختمان و به‌طور میانگین حدود ۴میلیون واحد مسکونی و غیرمسکونی وجود دارد. بخشی از این ساختمان‌ها تازه‌ساز هستند و در دسته ساختمان‌هایی قرار می‌گیرد که بعد از اجرای ضوابط مقررات ملی ساختمان ساخته شده‌اند که هم در زمان صدور پروانه و هم قبل از پایان کار از سوی کارشناسان شهرداری و آتش‌نشانی تمام اصول ایمنی بررسی می‌شود تا جایی که می‌توانیم مطمئن باشیم در این ساختمان‌ها حوادث مشابه حادثه پلاسکو به شرط حفظ و پایداری شرایط ایمن نخواهیم داشت. از سوی دیگر در تهران برج‌های تازه‌سازی داریم که هنوز تأییدیه و پایان کار نگرفته‌اند. اما شهروندان در آنها ساکن شده‌اند که خلأ قانون اینجا خود را نشان می‌دهد. بخش دیگری از ساختمان‌ها قبل از تصویب آیین‌نامه‌های ایمنی ساخته شده‌اند. متأسفانه به دلیل نبود قانون الزام‌آوری برای اجرای ضوابط ایمنی و آتش‌نشانی در این ساختمان‌ها همیشه با چالش روبه‌رو هستیم. بند ۱۴ ماده ۵۵قانون شهرداری‌ها که سال ۱۳۳۴ نوشته شده تنها قانونی است که شهرداری را مکلف کرده درباره ایمنی ساختمان اظهار نظر کند ولی این‌قدر کامل نیست که به ما اجازه ورود به داخل ساختمان برای اجرای ضوابط ایمنی را بدهد. طبق همین قانون با توجه به تفویض اختیاری که از شهرداری به آتش‌نشانی شده، سازمان آتش‌نشانی به‌عنوان کارشناس شناخته می‌شود و فقط می‌تواند درباره ایمنی اخطارهای لازم را بدهد و نمی‌تواند ساختمانی را به خاطر ایمن نبودن پلمب کند. برخی از این ساختمان‌های قدیمی مجتمع‌های تجاری هستند که به واسطه تردد بالای روزانه شهروندان باید ایمن باشند. خوشبختانه طرح‌های کارآمدی مثل نظام بازرسی و طرح پلاک ایمن از طرف سازمان آتش‌نشانی و با به کارگیری مناطق هشت‌گانه عملیاتی آتش‌نشانی پایتخت در حال اجراست که با رصد ایمنی ساختمان‌ها طی یک سال اخیر حدود ۳۰ هزار ساختمان شناسایی شده و اخطارهای لازم را دریافت کردند. نکته دیگر حریق‌هایی است که در ساختمان‌های زیر ۶طبقه اتفاق می‌افتد. نباید تمرکز روی ایمنی برج‌ها، ما را از ساختمان‌هایی که بلندمرتبه نیستند غافل کند که اتفاقاً طعمه حریق‌های متعددی هم می‌شوند. طبق مصوبه توسعه بهبود شورای اسلامی شهر که سال ۱۳۹۵ تصویب شد، ضوابط ایمنی باید در تمام ساختمان‌ها و نه فقط بلندمرتبه‌ها اجرا شود. دسترسی به مدیریت و قانون یکپارچه در حوزه ایمن‌سازی ساختمان‌ها، می‌تواند آتش‌نشانی را در خدمت‌رسانی بهتر و ایمن‌سازی ساختمان‌ها یاری کند. طی سال‌های اخیر ۲۱ تردبان برای حوادث احتمالی برج‌ها به ناوگان تجهیزات آتش‌نشانی اضافه شده‌است. در آستانه سالگرد حادثه پلاسکو ضمن گرامی داشتن یاد و خاطره آتش‌نشانان شهید، امیدوارم که هرگز شاهد حوادث اینچنین نباشیم.

تیتر یک

کاشت درختچه‌های سماق و زرشک در لواسانات

سرانه جنگلکاری شهر اوشان، فشم و میگون با مشارکت شهرداری این شهر و اداره منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران تکمیل و افزایش می‌یابد. «عزیزی» معاون فنی مدیرکل منابع استان تهران از اهمیت گسترش جنگلکاری و حفظ منابع طبیعی استان تهران گفت و افزود: «این پروژه در قالب طرحی مشارکتی ضمن تکمیل طرح‌های باقیمانده نقاط مختلف شهر مانند دراز چال، سپیدکمرچال و طرح‌های جدید همسو با جنگلکاری در دستور کار قرار گرفته است.» او گفت: «اولویت ما در جنگلکاری بهره‌گرفتن از درختان و گیاهان بومی منطقه است که با خطر نابودی مواجه هستند. گونه‌هایی مثل سماق و زرشک که از گیاهان بومی منطقه به شمار می‌روند و سازگاری بهتری دارند.»او درباره بحث دام‌های غیرمجاز و نقش مخرب آنها در فضای سبز منطقه گفت: «برای شناسایی قانون شکنان در مبحث چرای بی‌رویه و ساخت‌وسازها به‌زودی با استفاده از روش‌های نوینی مثل دیدبانی با پهپاد و ظرفیت تشکل‌های مردمی برای پیشگیری و برخورد گام‌های مهمی برخواهیم داشت. این کار نقش مهمی در حفظ جنگل گاری و جلوگیری از تصرف منابع طبیعی و ساخت‌وسازهای غیرمجاز دارد.» «رضا ریاحی» شهردار اوشان، فشم، میگون نیز درباره مشارکت اداره منابع طبیعی در راستای گسترش سرانه سبز ابراز خشنودی کرد و گفت: «شهر ما در دهه ۸۰ بالاترین سرانه جنگلکاری در استان تهران را داشت. تلاش می‌کنیم در این دوره زمانی حساس که آلودگی هوا زیان‌های زیادی را در شهر تهران و نزدیکی رودبار قصران به وجود آورده است در صیانت از منابع طبیعی بخش بیشتر تلاش کنیم.»

شناسایی راسته‌های تجاری در طرح ممیزی املاک

۱۱ مسیر شمال تهران به‌عنوان راسته‌های اصلی و تجاری منطقه یک در اولویت ششمین مرحله طرح ممیزی املاک شهر تهران قرار گرفت. «سید حمید موسوی» شهردار منطقه یک گفت: «این مسیرها در نواحی یک، ۲، ۳، ۴، ۷ و ۸ واقع شده است. راسته‌های میدان تجریش- قدس، پارک وی- تجریش، ولی‌عصر(عج)- فرشته، بلوار کاوه- ۲۵ متری قیطریه، عمار- دزاشیب، الف- یمن و فرمانیه- پاسداران از جمله مسیرهای اصلی است که در اولویت طرح ممیزی قرار گرفته‌اند.» او افزود: «ممیزی املاک با ارائه اطلاعات کامل از آمار و مشخصات ملک، تغییرات و تخلفات موجود، بستر شناسایی نقاط ضعف و قوت را برای مدیریت شهری، فراهم و به برنامه‌ریزی صحیح و منسجم در اداره شهر کمک می‌کند. »

انتقال ورودی ستاد ترخیص خودرو از خیابان زنجان به حبیب الهی

ورودی ستاد ترخیص خودرو برای ساماندهی ترافیک ابتدای خیابان زنجان از خیابان زنجان به خیابان حبیب الهی منتقل می‌شود. «محمدرضا کرمی» معاون فنی و عمران شهردار منطقه ۲ گفت: «این طرح با هدف ساماندهی ترافیک ابتدای خیابان زنجان اجرا می‌شود و اکنون پروژه حدود ۵۰درصد پیشرفت داشته و تا پایان سال به بهره‌برداری خواهد رسید. برای اجرای طرح با توافق کلانتری خیابان حبیب الهی، بخشی از حیاط کلانتری برای ایجاد معبر اختصاص داده شده و شهروندان به جای تردد از خیابان زنجان از این معبر عبور خواهند کرد. ۶۵۰مترمربع ابنیه، دیوارکشی برای جداسازی ستاد ترخیص خودرو و محوطه کلانتری،مجموعه دژبانی، ساختمان مدیریت و سایر فضاها برای کلانتری و ستاد ترخیص خودرو در حال ساخت است.»

جمع‌آوری پسماند خشک در کمتر از ۱۰ دقیقه

طرح جمع‌آوری پسماند خشک از مبدأ در منطقه۲ هوشمند شد. «علی‌اکبر کریمی‌پور» معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۲ گفت: «این طرح با هدف ترویج فرهنگ پسماند، جلوگیری از فعالیت عوامل غیرمجاز جمع‌آوری پسماند و کاهش چشمگیر هزینه و صرفه‌جویی منابع اجرا می‌شود.» او افزود: «با فعال شدن اپلیکیشن‌ها این امکان فراهم شد تا شهروندان با نصب این نرم‌افزار روی گوشی تلفن همراه مقدار زباله‌های خود را به‌صورت آنلاین برای جمع‌آوری به بخش خدمات شهری شهرداری منطقه اعلام کنند و کمتر از ۱۰ دقیقه خودروهای مخصوص با مراجعه به نشانی پسماند را تحویل بگیرند.»

چهره

مدرس داستان‌نویسی فرهنگسرای رسانه:

آموزش آنلاین متقاضیان را بیشتر کرد

«ویروس کرونا شرایطی ایجاد کرد که آموزش‌ها دیگر محدود به اهالی محله قیا و ساکنان این منطقه نیست و ما این روزها خارج از مرزهای تهران و حومه برای ثبت‌نام متقاضی داریم.» اینها حرف‌های «لیلی فیروز» مدرس باسابقه داستان‌نویس فرهنگسرای رسانه است. او از سال ۱۳۹۲ وارد حوزه ادبیات داستانی شد و تجربه ۲سال تدریس در مراکز فرهنگی و هنری را دارد. او می‌گوید: «امسال با شیوع ویروس کرونا شرایط متفاوتی برای آموزش‌ها ایجاد شد و این شرایط سبک نوینی از زندگی را به همراه داشته است. چون طی این ماه‌ها با برگزاری کلاس‌های آنلاین داستان‌نویسی با استقبال خوب متقاضیان مواجه شدیم و غیر از ساکنان بومی و سایر علاقه‌مندان شاهد حضور افراد دیگری غیر از تهران بوده‌ایم.» فیروز می‌افزاید: «برگزاری دوره‌های هنری مانند داستان‌نویسی که این روزها یک علم محسوب می‌شود بی‌شک نقش مؤثری در ساکنان محله‌ها دارد. به شرطی که سیستم آموزشی قدیم را به روز و از بهترین روش‌ها استفاده کرد تا شاهد اتفاقات مطلوب باشیم.»

سه‌شنبه با پویش «گره‌گشا» در فرهنگسرای آفتاب

پویش فرهنگی «گره‌گشا» با هدف ترویج آیین‌ها و مراسم مذهبی و ترویج فرهنگ انفاق و کمک به دیگران در فرهنگسرای آفتاب برگزار می‌شود. «نسیم سلیم‌زاده» رئیس فرهنگسرای آفتاب گفت: «این برنامه که ساعت ۱۰ تا ۱۷ روزهای سه‌شنبه هر هفته به مدت ۵هفته اجرا می‌شود از دهه دوم فاطمیه از ۲۸ دی آغاز شده است. این پویش فرهنگی تا ۷ اسفند ماه همزمان با ولادت امام علی(ع) با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار می‌شود.» او افزود: «کانون‌های مردمی، گروه‌های جهادی و خیّران می‌توانند در این پویش برای تأمین و تهیه اقلام جهیزیه مشارکت کنند.» افراد می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به نشانی خیابان شریعتی، روبه‌روی خیابان دولت، خیابان امامزاده، مراجعه یا به اینستاگرام aftabfarhangsara مراجعه کنند.

میز خبر

اینترنت نیم‌بها برای آموزش آنلاین ترافیکی

اداره حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۳ برای ارتقای آگاهی و بهبود رفتارهای ترافیکی و رانندگی اینترنت نیم‌بها برای فراگیری دوره‌های آموزش آنلاین ترافیکی اختصاص داده است. «سعید شمالی‌نژاد» معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار منطقه گفت: «دوره‌های آموزشی روی سامانه بینجو قرار دارد و سازمان‌های دولتی و خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد و مراکز آموزشی و فرهنگی می‌توانند درخواست خود را مبنی بر حضور در این دوره‌ها به شماره واتساپ ۰۹۳۲۹۴۹۱۲۶ اعلام کنند. دوره‌ها رایگان است و هزینه‌ای از سازمان و فراگیران دریافت نخواهد شد. شرکت در این کلاس‌ها نیاز به نصب هیچ برنامه جانبی یا اپلیکیشنی ندارد.» او افزود: «بازآموزی قوانین راهنمایی و رانندگی، تکنیک‌های رانندگی در شرایط آب و هوایی خاص و شرایط بحرانی، آشنایی با عواقب ناشی از تخلفات رانندگی، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، روان‌شناسی در ترافیک و... از آموزش‌هایی است که علاقه‌مندان به مباحث ترافیکی می‌توانند از آن استفاده کنند.»

شنبه‌های بدون پسماند

اجرای طرح «شنبه‌های بدون پسماند» با هدف تفکیک زباله خشک ازتر در مبدأ با استقبال چشمگیر شهروندان منطقه۳ روبه‌رو شد. «مهدی هوشیار» معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۳ در این‌باره گفت: «به‌طور میانگین مقدار جمع‌آوری زباله‌های خشک در غرفه‌های مستقر در محله‌ها هزار و ۳۲۴ تن و میزان زباله جمع‌آوری شده توسط خودروهای ملودی هزار و ۸۹۶ تن است. در مجموع ۳هزار و ۲۲۰ تن زباله خشک در طرح شنبه‌های بدون پسماند در منطقه ۳ جمع‌آوری شد.» او افزود: «افزایش مشارکت شهروندان در این طرح موجب می‌شود از این پس در فاجعه محیط‌زیستی که زباله‌ها رقم می‌زنند شریک نباشیم. نظارت بر جمع‌آوری پسماندهای تفکیک شده در غرفه‌های مستقر در محله‌ها، آموزش خانه به خانه تفکیک زباله تر و خشک، توزیع کیسه‌های مخصوص پسماند خشک برای مجتمع‌های بالای ۲۰ واحد، آموزش به سرایداران مجتمع‌های مسکونی در این طرح اجرامی شود.»

۲۰

تابلو و ملزومات ترافیک در ناحیه۳ منطقه یک با هدف ایجاد نظم و نگهداشت ملزومات ترافیک، مرمت و نصب علائم و تابلوهای ترافیکی در محله انجام شد.

۸

پایگاه سلامت در محله‌های ازگل، دربند، قیطریه، گلابدره، ولنجک و شهرک شهید محلاتی و در ۲ مرکز جامعه خدمات سلامت ازگل و نیکو همسو با اجرای طرح شهید سلیمانی مشغول به فعالیت غربالگری کرونا هستند.

۲۰۰

ساختمان ناایمن توسط آتش‌نشانی در منطقه ۲ شناسایی و معرفی شده است و نواحی ۹ گانه منطقه به دنبال اقدامات لازم برای رفع خطر از این ساختمان‌ها را در دستور کار قرار داده‌اند.

اخبار فرهنگی

جشنواره «جهان بی‌تو» در ارسباران

جشنواره «جهان بی‌تو» همزمان با نخستین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس با هدف ترویج روحیه ایثار و مقاومت در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود. «مهدی یوسفی» مدیر فرهنگی، هنری منطقه ۳ و رئیس فرهنگسرای ارسباران با اعلام این خبر گفت: «روایت‌های مردمی با محوریت سبک زندگی و نگاه این شهید و یارانش در قالب جشنواره، گردآوری و به‌عنوان محتوای غنی اعتقادی در فضای مجازی منتشر خواهد شد. شرکت‌کنندگان می‌توانند حداکثر ۳ اثر را به دبیرخانه ارسال کنند. مهلت ارسال آثار تا ۱۰ بهمن ماه است. شهروندان می‌توانند آثار را به آیدی jahanebito@ در پیام‌رسان روبیکا یا شماره واتساپ ۰۹۲۲۳۰۲۵۴۵۸ ارسال کنند.

توسعه مسیر پیاده‌راه و دوچرخه‌سواری

مسیر پیاده‌راه و دوچرخه‌سواری در منطقه یک با هدف ترویج فرهنگ پیاده‌روی و استفاده از حمل‌ونقل پاک توسعه یافت. «مجید افشاری» سرپرست معاونت فنی و عمرانی شهرداری منطقه یک گفت: «حدود ۴۴ کیلومتر مسیر دوچرخه‌سواری و پیاده‌راه‌سازی همسو با اهداف توسعه پایدار در منطقه یک ساخته می‌شود. تاکنون این عملیات در مسیرهای بلوار ارتش، سوهانک، شریعتی، نیاوران و ولی‌عصر(عج) به طول تقریباً ۶ هزار و ۲۰۰ متر، اجرا و به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده است تا همه مسیر تا پایان سال به بهره‌برداری برسد.»

Rahnamamedia

شرق

افسریه	۳۳۸۰۸۰۶۹
بلوار پروین	۷۷۲۹۸۴۵۱
پیروزی	۳۳۷۹۳۰۲۳
تهرانپارس	۷۷۸۸۸۷۷۷
تهران نو	۷۷۹۰۲۶۴۶
حکیمیه	۷۷۳۰۷۸۳۰
خاوران	۳۳۸۳۹۲۰۲
سه راه افسریه	۳۳۸۰۸۸۸۴
رسالت	۲۲۵۳۲۴۴۷
فرجام	۷۷۲۰۷۹۳۹
قنات کوثر	۷۷۳۷۱۷۰۰
مجیدیه	۲۲۵۰۱۸۷۹
میدان امام حسین	۷۷۵۰۰۵۸۳
نارمک	۷۷۹۴۴۴۴۷
نبرد	۳۳۶۹۶۰۶۰
نظام آباد	۷۷۸۴۴۰۱۴
نیروی هوایی	۷۷۹۸۰۹۷۰

جنوب

امیریه	۵۵۳۷۵۰۴۱
خراسان	۳۳۵۲۲۱۸۶
خزانه بخارایی	۵۵۰۵۵۰۱۰
دولت آباد	۳۳۷۶۷۵۱۶
سه راه آذری	۵۵۷۳۳۴۳۵
شوش	۵۵۰۵۰۴۲۴
شهرری	۵۵۹۵۱۲۶۹
عبدل آباد	۵۵۸۶۳۲۶۲
کارگر جنوبی	۵۵۶۵۱۰۲۴
مولوی	۵۵۸۱۷۴۰۸
مهرآباد	۶۶۲۸۷۶۱۹
نازی آباد	۵۵۰۷۹۴۰۰
وحدت اسلامی	۵۵۸۱۵۵۰۲
یافت آباد	۶۶۶۲۱۹۰۱
بهشت زهرا	۰۹۳۰۱۱۰۱۸۱۹

تلفن دفاتر قبول آگهی

دفتر مرکزی پذیرش

۸۸۳۱۱۹۱۹

شمال

آرژانتین	۸۸۷۵۳۴۰۱	پارک وی	۲۲۰۲۰۴۵۰	قلهک	۲۲۸۴۷۳۲۶
آفریقا	۲۲۰۳۴۴۴۱	پاسداران	۲۲۸۵۱۱۰۰	لویزان	۲۲۹۸۴۳۸۸
اقدسیه	۲۲۲۹۸۲۶۱	تجریش	۲۲۲۱۸۸۱۲	ملاصدرا	۸۸۰۳۲۷۷۱
اندرزگو	۲۲۲۰۹۵۷۱	دولت	۲۲۶۱۴۲۴۳	میرداماد	۲۶۴۰۴۲۲۹
پارک ملت	۲۲۰۴۷۹۳۱	شریعتی شمال	۲۲۸۵۲۶۰۰	ونک	۸۸۷۷۹۹۴۱

مرکز

امین حضور	۳۳۵۰۳۵۲۵	سهروردی	۸۸۷۴۳۹۹۰	فاطمی	۶۶۴۳۴۹۵۹
انقلاب	۶۶۴۹۷۲۸۰	سهروردی شمالی	۸۸۷۵۶۶۶۱	فردوسی (۱)	۶۶۷۱۱۷۱۷
بازار	۵۵۶۰۴۹۵۵	سید خندان	۲۲۸۴۸۱۹۱	فردوسی (۲)	۶۶۷۱۳۴۸۴
بهارستان	۳۳۱۱۶۶۵۶	شریعتی	۸۸۴۳۵۷۶۹	لاله زار نو	۶۶۷۰۱۴۱۵
جمهوری	۶۶۴۰۱۴۷۹	شهید بهشتی	۸۸۷۵۵۳۳۰	میدان سپاه	۷۷۵۲۶۰۴۴
حافظ	۶۶۷۰۱۸۱۷	شهید مطهری	۸۸۹۰۳۵۵۶	میدان ولیعصر	۸۸۹۶۳۳۸۵
سعدی	۳۳۹۳۷۳۹۹	طالقانی	۸۸۸۰۲۵۶۴	هفت تیر	۸۸۸۴۴۰۶۵
سمیه	۸۸۳۲۳۳۷۸			یوسف آباد	۸۸۰۶۳۷۵۴

حومه تهران

اسلامشهر	۵۶۱۴۹۴۰۰	شهریار	۶۵۲۶۶۳۷۶	لواسانات	۲۶۵۵۱۴۹۰
دماوند	۷۶۳۴۰۳۴۴	کرج	۰۲۶۳۲۲۳۴۰۴۳	ورامین	۳۶۲۷۸۵۴۵

تلفن پذیرش آگهی ۱۸۱۹ شبانه روزی

www.Rahnama.com

غرب

آزادی	۶۶۸۶۷۹۶۴
آیت ا... کاشانی	۴۴۰۷۴۰۳۳
بلوار فردوس	۴۴۰۵۱۳۱۷
پونک	۴۴۴۳۵۷۲۷
توحید	۶۶۹۴۰۵۳۸
تهرانسر	۴۴۵۶۱۳۳۳
دهکده المپیک	۴۴۱۴۶۶۳۳
جلال آل احمد	۸۸۲۶۵۵۵۳
جنت آباد	۴۴۴۷۲۷۱۲
ستارخان	۴۴۲۱۶۶۸۹
سعادت آباد	۸۸۶۹۶۰۱۰
شهران	۴۴۳۳۵۹۶۶
شهرک اکباتان	۴۴۶۶۵۹۴۹
شهرک غرب	۸۸۳۲۲۹۷۱
صادقیه	۴۴۰۷۹۰۰۵
فرحزاد	۲۲۰۶۱۸۷۷
فلکه اول شهران	۴۴۳۳۵۹۶۵
فلکه دوم صادقیه	۴۴۰۷۹۰۰۶
میدان المپیک	۴۴۱۴۶۶۳۰
نواب	۶۶۴۳۰۹۰۳
هاشمی	۶۶۳۷۹۱۵۱

دفاتر بازاریابی نیازمندیها

اشرفی اصفهانی	۴۴۰۰۶۵۶۹
اندیشه	۸۸۵۰۵۰۱۱
جمالزاده	۶۶۴۳۴۰۲۸
جهان آرا	۸۸۰۵۷۳۶۰
چهارراه قصر	۸۸۱۷۷۵۳۶
چهارراه ولیعصر	۶۶۴۰۰۸۸۳
سهروردی جنوبی	۸۸۹۳۳۷۰۰
شهر پرند	۵۶۷۹۱۴۷۳
شهر پردیس	۷۶۳۴۵۶۰۴
رباط کریم	۵۶۶۳۴۸۴۴
کریمخان	۸۸۸۰۶۱۴۲
مرزداران	۴۴۲۷۶۰۹۱

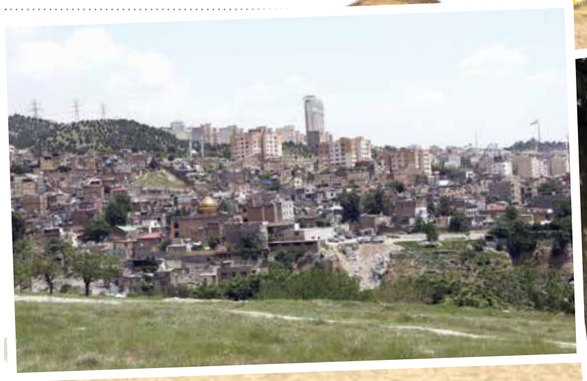

رمزگشایی از ماجرای نامگذاری
محله قدیمی و بررسی یک تصور نادرست

فرحزاد، فــره‌زاد بود

حسن حسن‌زاده

آبادی سرسبز و خوش آب و هوای فرحزاد هنوز هم همان صفای روزگار گذشته‌اش را حفظ کرده اســـت؛ روزگاری که فرحزاد با باغ‌های میوه، مزارع سرسبز و آب زلال رودخانه‌اش، هم تفرجگاه تهرانی‌ها بود و هم منزلگاهی در مسیر زیارت امامزاده داود(ع). مناظر و آب و هوای دلپذیر فرحزاد که فرح و شـــادی را برای گردشـــگران و زائران به ارمغان می‌آورد به تدریج تصوری نادرست از علت نامگذاری این‌آبادی قدیمی میان عموم مردم ایجاد کرد. آنقدر که امروز کمتر کســـی از نام اصلی فرحزاد در منابع تاریخی و علت نامگذاری آن باخبر اســـت. درباره علت نامگذاری فرحزاد و تاریخچه این‌آبادی قدیمی شمیران با «داریوش شهبازی» تهران‌شناس گفت‌وگو کرده‌ایم.

اگرچه در ۲دهه اخیر،آبادی خوش آب و هوای فرحزاد با ورود مهاجران و ساخت‌وسازهای بی‌رویه و نایمـــن از روزگار طلایـــی آن‌آبادی قدیمی شـــمیران فاصله گرفته اســـت امـــا هنوز هم هوای باطـــراوت فرحزاد مهم‌تریـــن ویژگی ایـــن محله قدیمی است. درختان سرسبز حاشیه رودخره و باغ‌هایی که از روســـتای ۸۰۰ ساله فرحزاد به یادگار مانده‌اند مثل حلقه‌ای ســـبز این‌آبـــادی کهـــن را در آغوش گرفته‌انـــد. همین سرســـبزی و آب و هـــوای خوش فرحزاد تهرانی‌هـــا و حتی برخی از ســـاکنان جدید این‌آبادی را درباره علت نامگذاری فرحزاد به اشتباه انداخته است. شهبازی از دلایل این اشـــتباه رایـــج می‌گوید: «اگر از سرســـبزی، خنکای رودخانه، هوای مطبوع، مزارع پرمحصول و باغ‌های پرمیوه فرحزاد چشم‌پوشی کنیم این‌آبادی از همان روزگار گذشته میزبان گردشگران و زائران تهرانی بود. زائران امامزاده داود(ع) برای دسترسی به آستان مقدس امامزاده، شبی را در این روستای خوش آب و هوا می‌ماندند و برای طی مسیر پرپیچ و خم امامزاده هم از چهارپاداران فرحزاد، الاغ یا قاطر کرایه می‌کردند. در فصول گرم ســـال هم فرحزاد برای تهرانی‌ها در حکم یک روســـتای ییلاقی بود که با اجـــاره خانه در این‌آبادی به دل طبیعت می‌زدند. در ســـال‌های اخیر هم رســـتوران‌های فرحزاد و اماکن گردشـــگری آن، همه چیز را برای شـــکل‌گیری این تصور اشـــتباه از علت نامگذاری فرحزاد مهیا کردند. در واقع، خلاف تصور عمـــوم، فرحزاد یک واژه عربی به معنای مکانی فرح‌بخش نیست و املای آن در متـــون تاریخی متفاوت اســـت.» نگاهی به منابع تاریخی و تکرار نام فرحزاد در این منابع مکتوب، نظریه دیگری درباره علت نامگذاری فرحزاد پیش پای زبان‌شناســـان قرار می‌دهد. شهبازی ادامه می‌دهد: «نام‌آبادی فرحزاد در کتاب‌های منتقله الطالبیـــه و جنت النعیم بدون حرف ح و به شـــکل فُرَزاد و در برخی متون دیگر به‌صورت فرّه زاد نوشـــته شـــده است. اما قیاس عامیانه، واژه فارســـی فره را به فرح عربی تبدیل کرده و نام این روستا را از فره زاد به فرحزاد تغییر داده است.»

داریوش شهبازی
تهران‌شناس

قصه یک توشه باارزش

در جســـت وجـــو برای کشـــف علت اصلـــی نامگـــذاری فرحزاد به نـــام «فره زاد» می‌رســـیم؛ نامی که البته باز هم به ویژگی اقلیمی و امتیاز این‌آبادی کهن نســـبت به دیگرآبادی‌های شمیران اشـــاره دارد. شهبازی از معنای نام فـــره زاد می‌گوید: «عبـــارت فره‌زاد از ۲واژه فره و زاد تشکیل شده اســـت. فره به معنای شوکت، جلال، عظیم و باعظمت و زاد به معنای توشه. بنابراین نام فره زاد با این املای صحیح، نه به معنای مکانی فرح‌بخش بلکه به معنای توشه عظیم و باارزش است. برای رمزگشایی از معنای دقیق این نام کافی اســـت یکبار دیگر در ویژگی‌های اقلیمی فرحزاد کنکاش کنیم.» اگرچه توســـعه ساخت‌وسازها و بروز مشـــکلات زیســـت‌محیطی در حاشـــیه رودره، آســـیب‌های فروانی به باغ‌های سرســـبز فرحزاد وارد کرده و در روند توســـعه محله بســـیاری از مـــزارع فرحزاد از بین رفته اســـت اما هنوز هم این‌آبادی کهن شـــمیران با توشـــه‌های فراوانش شناخته می‌شود. شـــهبازی ادامه می‌دهـــد: «فرحزاد از همان دوران گذشته با رودخانه پرآب و باغ‌های پرمحصولش میانی تهرانی‌ها شهره بود. آب زلال رودخانه فرحزاد به توتســـتان‌ها، باغ‌های شاتوت، گیلاس و... می‌رســـید و محصولات این‌آبادی قدیمـــی را پای ثابـــت بازارهای میوه تهران کـــرده بود؛ میوه‌هایی که با وجود توســـعه شـــهر و از میـــان رفتن شـــماری از باغ‌ها و مزارع هنـــوز هم به‌عنوان توشـــه‌های مرغوب فرحزاد در دیگر محله‌های شهر عرضه می‌شـــود. در نتیجه، این احتمال وجود دارد که مبنای نامگذاری فرهزاد و توشه عظیم آن اشـــاره‌ای به آب زلال و گوارای فرحزاد داشته باشد.»

> هنوز هم‌آبادی فرحزاد برای تهرانی‌های قدیم و زائران موسفید امامزاده داود(ع) یادآور مسیر قدیمی دسترسی به آستان مقدس این امامزاده و استراحت شبانه در توقفگاه‌های سرسبز و دل‌انگیز فرحزاد است

ییلاق تهرانی‌ها اینجا بود

اگرچـــه نام فرحزاد براســـاس منابـــع مکتوب تاریخـــی و شـــواهد و قرائـــن زبان‌شناســـان باید «فرهزاد» باشد ولی همین نام فرحزاد هم با توجه به جایگاه و ویژگی‌هـــای این‌آبادی در تاریخ ۸۰۰ ســـاله‌اش خالی از معنا نیســـت. هنـــوز هم‌آبادی فرحزاد برای تهرانی‌های قدیم و زائران موسفید امامزاده داود(ع) یادآور مسیر قدیمی دسترســـی به آســـتان مقدس این امامزاده و اســـتراحت شـــبانه در توقفگاه‌های سرسبز و دل‌انگیز فرحزاد است. مسیری که اگرچه دیگر از رونق افتـــاده و جایگاه خود را به جاده کن و سولقان واگذار کرده است روزگاری تنها مسیر دسترســـی به امامزاده داود(ع) و ســـنگ‌بنای شـــکل‌گیری کافه‌هـــا، چایخانه‌ها و رستوران‌های امروز فرحزاد بود. شهبازی می‌گوید: «زیارت امامزاده داود(ع) در دوران قاجـــار و پهلوی اول و دوم برای تهرانی‌هـــا جایگاه ویژه‌ای داشت و بسیاری از خانواده‌ها آخر هفته را به زیارت امامزاده داود(ع) می‌رفتند. به‌ویژه یکی از برنامه‌های سنتی سالانه لوطی‌های تهران هم زیارت تابســـتانی امامزاده داود(ع) بود. آن روزها مســـیر یونجـــه‌زاری کـــه از دل محله فرحزاد می‌گذشـــت، تنها راه دسترسی به آستان امامزاده بـــود. در روزگاری کـــه خبـــری از خـــودرو نبود، تهرانی‌ها با گاری و احشام این مسیر نسبتاً طولانی و پر پیـــچ و خم را طی می‌کردنـــد. زائرانی که از تهران می‌آمدند در ابتدای این مســـیر و در محله فرحزاد هم توقفگاه داشـــتند تا صبـــح زود راهی مسیر یونجه‌زاری و سپس زیارت امامزاده شوند. به تدریج در مسیر دسترسی به امامزاده، چایخانه‌ها و رستوران‌هایی هم در فرحزاد ساخته شد که علاوه بر توقفگاهی در مسیر امامزاده داود(ع)، برای زائران در حکم گشت و سیاحت در منطقه‌ای خوش آب و هوا بود.»

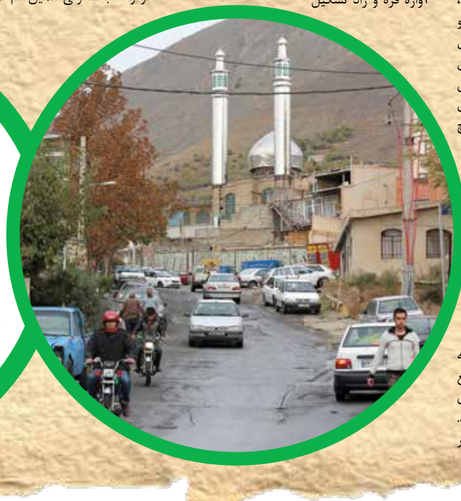

مهاجران اولیه همگی سادات بودند

ارادت اهالی‌آبادی کهن فرحزاد به اهل‌بیت(ع) تنها به میزبانی از زائران امامزاده داود(ع) محدود نمی‌شود. گفته می‌شود نخستین ساکنان فرحزاد که آبادانی را به این دیار آوردند، همگی از سادات مهاجر بودند که بیش از ۸ قرن پیش برای سکونت به این‌آبادی خوش آب و هوا آمدند. شهبازی درباره قدمت فرحزاد می‌گوید: «در دوره اسلامی، مهاجرانی از سادات که مانند ساکنان‌آبادی‌های آهار، شکراب و... در شمیران، شیعه مذهب بودند در فرحزاد ساکن شدند. اما برخلاف‌آبادی‌های شکراب و آهار که در مسیر بن‌بست قرار داشتند، فرحزاد به دلیل موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در مسیر پر رفت‌وآمد امامزاده داود(ع) به تدریج میزبان مهاجرانی از دیگر اقوام و قبایل شد. توجه خاص فرحزادی‌ها به امامزاده صالح(ع) فرحزاد که قدمت بنای آن به دوره صفوی می‌رسد و نیز امامزاده ابوطالب(ع) نشان از همین ارادت تام و تمام و پیشینه مذهبی و فرهنگی ساکنان نخست این‌آبادی دارد.»

چطور کارمند شهرداری منطقه یک جان کوهنوردان را در حادثه سقوط بهمن نجات داد؟

آن شب سر راحت بر بالش گذاشتم

زهرا کریمی

اوایل زمســـتان امسال به دنبال بارش سنگین برف در ارتفاعات شمیرانات و سقوط بهمن پیامی به نیروهای واحد موتوری سنگین شهرداری منطقه یک مخابره شد که برای بازگشایی مسیر کوهستان در کلکچال به نیروهای امداد و نجات ملحق شوند. «محمد جعفر رضایی» مسئول واحد موتوری سنگین اداره خدمات شـــهری منطقه یک تنها کسی بود که ساعت ۱۲ شب موتور لودر را روشن و برای کمک به نیروهای هلال‌احمر به سمت جاده کوهستانی کلکچال حرکت کرد. بازگشایی جاده کوهستانی پر از برف در شب کار ساده‌ای نیست که هر کسی این مسئولیت را قبول کند اما او همه خطرات کار در شب را پذیرفت و پا به میدان گذاشت. با او در این‌باره گفت‌وگو کرده‌ایم.

ساعت ۱۲شـــب در تاریکی کوهستان و دمای زیر صفر درجه با لودری که امکانات گرمایشی مناسبی ندارد چطور این مأموریت را قبول کردید؟

فقـــط برای رضایت خدای بالای ســـرم بود که بتوانم در این شـــرایط سخت کمک حال نیروهای امداد و نجات باشـــم. شب‌های قبل هم آماده‌باش بودم و باید برای اســـتراحت به خانه می‌رفتم ولی دلـــم به خانه رفتـــن رضا نداد. هوا ســـرد بود. اما قلبم گرم همکاری و مشـــارکت بود. وقتی باخبر شـــدم چند نفر کوهنـــورد زیر برف‌هـــا مانده‌اند، همه خطـــرات را به جـــان خریدم و بدون توجه به امکانات یا دمای هوای کوهستان برای نجات جان آن بندگان خدا مأموریت را پذیرفتم. واقعیت این اســـت که در آن لحظه جز نجات جان آن بندگان خـــدا به هیچ چیز دیگری فکر نمی‌کردم. از خـــدا هر ثانیه توان بیشترطلب می‌کردم تا بتوانم برای آنها کاری انجام دهم.

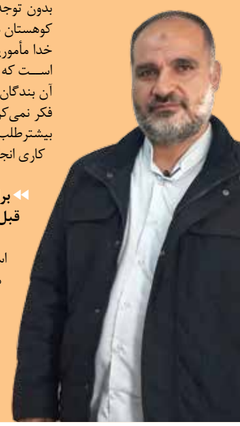

برای چنیـــن مأموریتی از قبل تجربه داشتید؟

به هرحال سال‌های زیادی اســـت که در همیـــن حرفه مشـــغول به کارم و با کسب تجربه در سال‌های مختلف بـــا اصول کار ایمن آشـــنا هســـتم و در ایـــن مواقع می‌توانم احوال خودم و دیگران را به خوبـــی مدیریت کنم. وقتی خودم را به موقعیت رســـاندم افرادی آنجا بودند. به جبهه آنها ملحق شـــدم. آنها همراهـــی‌ام می‌کردند که تنها نباشـــم و اگر احیاناً اتفاقی افتاد کمک‌رسانی کنند. جاده از جاده‌های نظامی و کوهستانی است کـــه تردد برای عموم در آنجا آزاد نیســـت ولی به تشـــخیص دوســـتان امداد و نجات این مسیر به کوهنوردان جا مانده در کوهستان قابل دسترس‌تر بود. با پشـــتکار توانستم تا ساعت ۸ صبح مسیر را باز کنم. یادم اســـت که یکبار در دارآباد دیواری به دلیل بارندگی ریزش کرده بود. امدادگران احتیاج به کمک داشـــتند. با کمک به آنها مردمی که زیر آوار گرفتار شـــده بودند نجات پیدا کردند. از این دست اتفاقات در منطقه زیاد افتاده است.

> گاهی به خودم می‌گویم اگر آن شب جاده را باز نمی‌کردیم شاید جست وجو تا چند روز با تلفات ادامه پیدا می‌کرد شبی که به خانه برگشتم با خیال آسوده سر به بالش گذاشتم

بازگشایی جاده چه تأثیری در امدادرسانی داشت؟

واقعاً مؤثر بـــود. چون بعد از اتمام کار، ماشین‌های امداد و آمبولانس‌ها توانستند به راحتی به بالادست بروند. فکر می‌کنم ۸ نفر دیگر از کوهنوردان پیدا شـــدند. وقتی خبر پیدا شـــدن تک تـــک کوهنوردان را می‌شـــنیدم خوشحال می‌شدم. وقتی می‌پرسیدم زنده هستند یا خیر و با خبر فوت آنها مواجه می‌شدم سینه‌ام درد می‌گرفت. آن شب با خیال نجات آنها همه سعی و تلاشـــم را کردم و ایـــن مرا راضی می‌کنـــد. امیدوارم خـــدا هم رضایت داشته باشد. گاهی به خودم می‌گویم اگر آن شـــب جاده را باز نمی‌کردیم شاید جست وجو تا چند روز با تلفات ادامه پیدا می‌کرد. شـــبی که به خانه برگشتم با خیال آسوده سر به بالشت گذاشتم. این راحتی وجدان یک دنیا برایم ارزش دارد. ما همه سربازان شهید حاج قاسم سلیمانی هستیم. باید از مردان بزرگ درس عبرت بگیریـــم. فرقی نمی‌کند خدمـــت به خلق خدا در مرزها رقم بخورد یا در داخل کشورمان.

امکانات و تجهیزات در شـــهرداری برای امدادرسانی مناسب است؟

امکانات لازم وجود دارد. اما این امکانات آنقدر کافی و به روز نیســـت و بایـــد تجهیزات باکیفیت و استاندارد در اختیار داشـــته باشیم تا بتوانیم با اعتماد به دســـتگاه‌ها و امکانات در چنین مواقعی شـــاهد حضور داوطلبان بیشتری باشیم. آن شب این لودر هیچ مشکلی برای بازگشایی ایجاد نکرد و توانســـتیم با نتیجه خوبی از عهـــده کار برآییم. شـــهردار منطقه یک از من بـــرای انجام وظیفه‌ام قدردانی کرده‌اند. از بذل توجه ایشان سپاسگزارم. اما انجام این مأموریت وظیفه من بود.

بعضـــی از همـــکاران می‌گوینـــد کـــه کار خارق‌العـــاده‌ای انجـــام داده‌ام. همه ما یکـــری توانایی‌هایی داریم که باید آنها را بشناســـیم و در مواقع اضطرار از آن قدرت و توانایی به نحو احسن استفاده کنیم.

«امیر لیلاز» رئیس خدمات شهری شهرداری منطقه یک:

کسی غیر از آقای رضایی مأموریت را قبول نکرد

معابر منطقه یک با توجه به نزدیکی به کوهســـتان و واقع شدن در شیب در مقایسه با معابر مناطق دیگر شرایطی خاص و متفاوت دارد. همه نیروها در این واحد با معابر و وضعیت منطقه آشـــنایی دارند. اما مســـیری که نیروهای هلال‌احمر و امداد و نجات برای برف‌روبی اعلام کردند یکی از مسیرهای غیرشهری و کاملاً کوهستانی با شرایط خطرناک بود. زمانی که پیام به دست ما رســـید هیچ یک از رانندگان به دلیل ایمن نبودن، مأموریت را نپذیرفتند. تنها کســـی که لبیک گفت آقای رضایی بود. آن جاده در منطقه نظامی و خارج از محدوده شهرداری منطقه یک اســـت و تاکنون آن مسیر برف‌روبی نشده و حتی گاردریلی در اطراف جاده نیست و هر لحظه به دلیل نداشتن دید کافی امکان سقوط راننده و لودر به دره در تاریکی شب وجود دارد. اما این مسیر تنها مسیری بود که نیروهای امداد و نجات می‌توانستند از آن به‌عنوان میان بر به محدوده اتفاق نزدیک شوند. منطقه یک با توجه به موقعیت آماده‌باش ۱۶ لودر و سایر وسایل لازم را در سایت‌های منطقه دارد. خوشبختانه آقای رضایی به‌عنوان مسئول موتوری ســـنگین منطقه که مهارت رانندگی لودر را دارد مأموریت را پذیرفت. هر چند که ۳شب قبل هم به‌صورت آماده‌باش در منطقه حضور داشـــت و اســـتراحت کافی برای انجام مأموریت نداشـــت. این کارمند شجاع یکی از افتخارات منطقه یک است و شهردار منطقه به همین منظور از عملکرد، مهارت، تصمیم و جسارت او قدردانی کرد.

گفت‌وگو با «بهرام زارع قربانی»
مدرس آموزش موتورسواری

آموزش ببین ایمن بران!

شهره کیانوش‌راد

موتورسیکلت وسیله‌ای است که می‌تواند در کمترین زمان ممکن و حتی شـــاید به سرعت برق و باد شما را از لابه‌لای حجم وسیع ترافیک تهران به مقصد برســـاند؛ به مقصد رسیدنی که چندان هم امن و بی‌خطر نیســـت. «بهرام زارع قربانی» یکی از موتورسواران حرفه‌ای و مدرس و مربی رسمی فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانـــی یکی از علت‌های پرخطر بودن این وسیله نقلیه را استاندارد نبودن خیابان‌ها و بزرگراه‌هـــا برای حرکت این وســـیله نقلیه می‌داند و معتقد است که کم اهمیت دانستن آموزش برای موتورسواران یکی از دلایل دیگر برای افزایش تصادفات جرحی و فوتی اســـت. راه‌اندازی پویش موتورســـواری خوب توسط شهرداری‌های مناطق بهانه‌ای برای گفت‌وگو با زارع قربانی شد. او عضویت در کمیته آموزش فدراسیون موتورســـواری و اتومبیلرانی را در کارنامه خـــود دارد و مؤلف چند جلد کتاب در زمینه آموزش موتورسواری است.

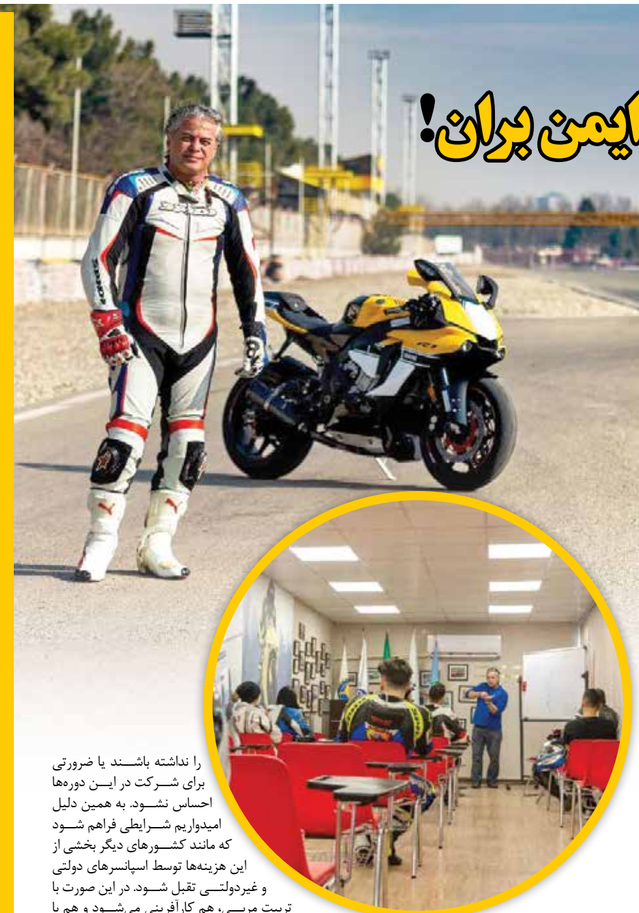

آموزش یکی از اصلی‌تریـــن ارکان برنامه‌ریزی برای موتورسواری است؛ موضوعی که نه فقط در موتورسواری بلکه در رانندگی با خودرو هم نادیده گرفته می‌شـــود. زارع می‌گویـــد: «متأســـفانه در کشـــور مـــا آموزش و فرهنگسازی در برخی موضوعات از سنین پایین شروع نمی‌شـــود. یکی از این موارد رانندگی اســـت. در حوزه آموزش موتورسواری هم این ضعف بیشتر دیده می‌شود. هیچ‌وقت قهرمانان موتورســـواری در رســـانه‌ها معرفی نمی‌شـــوند و برای موتورسواری در شهر نیاز به آموزش خاصی نیســـت. فقط ۷۵ میلیون موتور هوندا ۱۲۵ در کشـــور پلاک‌گذاری شده اســـت. در حالی که این نوع موتور از نظر ساختار آیرودینامیک و کار حرفه‌ای قدیمی شده و سیستم ایمنی خوبی ندارد. طبیعی است که آمار تصادفات رانندگی با وسیله‌ای که تکنولوژی قدیمی دارد بالا برود.»

نقش مؤثر شهرداری‌ها و نهادهای دولتی در آموزش

مؤلف تنها کتاب آموزشی موتورسواری درباره نقش شـــهرداری‌ها و اداره راهنمایی و رانندگی در آموزش به موتورســـواران می‌گوید: «با توجه به تجربه ۱۰ ساله‌ای که در زمینه آموزش موتورســـواری داشـــته‌ام معتقدم شـــهرداری تهران با همکاری نهادهای مرتبط می‌تواند مراکزی را راه‌انـــدازی و با اســـتفاده از مربیان باتجربه فدراســـیون موتورســـواری دوره‌های آمـــوزش را برای علاقه‌مندان برگزار کند. اگر به دنبال این هســـتیم که فرهنگ موتورســـواری ایمن را آموزش دهیم باید علت تصادف‌ها ریشـــه‌یابی شـــود. آن وقت می‌توانیم نقش آموزش در کاهش تصادفات را بررسی کنیم. در تجربه‌ای که من برای آموزش موتورسواران نیروی انتظامی داشتم، پلیس‌های موتورسوار پس از آموزش می‌گفتند از وقتی در این دوره‌ها شرکت کرده‌اند، بسیار راحت‌تر رانندگی می‌کنند. همین رونـــد می‌تواند در جامعه و برای عموم مردم طی شود. اما متأسفانه خیلی‌ها تصور می‌کنند که داشـــتن گواهینامه و همین که ترمز و گاز را بشناسند کافی است تا یک موتورسوار شوند.»

موتورسوار حرفه‌ای شوید

تصور ما از آموزش موتورســـواری حرفه‌ای، رانندگی در پیســـت‌های اتومبیلرانی و موتورســـواری اســـت اما زارع معتقد اســـت که موتورسوار با یادگیری فوت و فن موتورســـواری حرفه‌ای می‌تواند هنگام خطر سریع‌تر و بهتر عمل کند: «شـــما حتی اگـــر می‌خواهید با موتور اتومات در خیابان‌ها برانید نخست باید با موتور دنده‌ای اصول رانندگـــی حرفه‌ای را یاد بگیریـــد. به این دلیل کـــه وقتـــی در بزرگراه‌های تهران حرکـــت می‌کنید و می‌خواهید از بزرگراه بیرون بروید و سرعتتان زیاد است یا وقتی مانعی روبه‌روی شما قرار گیرد یا خودرو جلویی یکدفعه ترمـــز کند، اگر آموزش حرفـــه‌ای را فراگرفته باشـــید می‌توانید شرایط بدن را با شـــرایط پیچیده به وجود آمده وفق دهید؛ به گونه‌ای که از آن پیچ یا مانع به سلامت عبور کنید.»

کاهش ترافیک با موتورسواری ایمن

راه‌اندازی نخســـتین مدرســـه موتورسواری حرفه‌ای یکی از برنامه‌های زارع است. او می‌گوید: «چند باشگاه موتورســـواری فعال داریم. اما نخســـتین بار اســـت که مدرسه آموزش موتورسواری راه‌اندازی می‌شود. در این مدرسه هر کسی بتواند دوچرخه براند می‌تواند ثبت‌نام کند تا ســـطوح پایه تا حرفه‌ای را آموزش ببیند. مربیان این مدرســـه از قهرمانان موتورسواری انتخاب می‌شوند. امیدوارم با شـــروع به کار این مدرسه، موضوع آموزش به موتورســـوارها از این حالت نابسامانی بیرون بیاید. اما شـــاید همه افراد توانایی پرداخـــت هزینه این کلاس‌ها را نداشته باشـــند یا ضرورتی برای شـــرکت در ایـــن دوره‌ها احساس نشـــود. به همین دلیل امیدواریم شـــرایطی فراهم شـــود که مانند کشـــورهای دیگر بخشی از این هزینه‌ها توسط اسپانسرهای دولتی و غیردولتـــی تقبل شـــود. در این صورت با تربیت مربـــی، هم کارآفرینی می‌شـــود و هم با جدی گرفتن آموزش‌ها شـــاهد کاهش آمار تصادفات و مرگ و میر ناشـــی از موتورسواری پرخطر خواهیم بود. ترویج موتورسواری ایمن می‌تواند کاهش ترافیک را به دنبال داشته باشد و مشکل کمبود جای پارک خودروها را برطرف کند.» موتورهای اســـکوتر یکی از موتورهای پرطرفدار میان جوانان اســـت که به گفته زارع از ایمنی بیشـــتری برخوردار است: «موتورهای اسکوتر نسبت به سایر موتورها امن‌تر هستند و چون دنده و کلاج ندارند خســـته‌کننده نیســـتند. راننده هنگام بارندگی آسیب کمتری می‌بیند. اگر سایزهای بزرگ‌تر آن به بازار بیاید همه می‌توانند از آن استفاده کنند.» او می‌گوید: «بحث آلودگی هوا به موتورهای فرسوده و قدیمی برمی‌گردد. همان‌طور که خط تولید پیکان جمع شد امیدوارم برای کاهش آلودگی هوا از تردد موتورهای غیراســـتاندارد در شـــهر جلوگیری شـــود و برای کاهش ترافیک تهران با تکیه بر آموزش موتورســـواری و ایمن کردن خیابان‌ها شـــرایطی فراهم شود که افراد بیشـــتری به استفاده از موتور ترغیب شـــوند. در تمام دنیا مهندســـی ساخت خیابان‌ها و جاده‌ها براساس عبور و مرور موتورسیکلت و دوچرخه است. حتی در پیست‌های حرفه‌ای اول باید فدراسیون جهانی موتورسواری آن پیست را تأیید کند تا اجازه دهند خودرو در آن پیســـت حرکت کند. چون موتور در معرض خطر بیشـــتری است و اگر آن پیست برای موتور امن باشـــد برای رانندگی و مسابقه دادن با ماشین هم امن است. متأسفانه یادواره‌ای ما برای تردد موتورسیکلت وحشتناک است. ناگهان چاله‌ای جلو پای موتورســـوار قرار می‌گیرد که می‌تواند منجر به از دست دادن جان راکب شود. همه اینها یکباره قرار نیست اتفاق بیفتد. اما باید از جایی شروع شود.»

موتورسوار خوب

مانـــور «موتورســـوار خوب» بـــا حضور مدیـــرکل آموزش‌های شـــهروندی، مدیران شـــهرداری منطقه۲ و ســـرهنگ تقـــی‌زاده ســـرکلانتر شـــمالغرب تهران در میـــدان توحید به‌عنـــوان یکی از مســـیرهای پر تردد موتورسواران منطقـــه۲ برگزار شـــد. یوســـف مزارعی، معـــاون امور اجتماعی و فرهنگی شـــهردار منطقه ۲ یکی از دلایل اجرای طرح موتورســـوار خوب را آمـــار بـــالای تصادفات موتـــور در حـــوادث رانندگـــی دانســـت و افزود: «یکی از اهداف مانور آگاهی‌بخشـــی، تغییر رفتار اجتماعـــی و آمـــوزش عملکـــرد صحیح ترافیکی به موتورســـواران اســـت.» او افـــزود: «در این مانور کـــه بـــا مشـــارکت معاونت‌های حمل‌ونقـــل و ترافیک و اجتماعی و فرهنگی شـــهرداری منطقه۲ و پلیس راهور تهران برگزار شـــد بر آسیب‌های رفتاری موتورسواران، تمرکز و تلاش شـــد با طراحی و اجـــرای پیام‌های تبلیغی با لحنی ایجابـــی و صمیمـــی بـــر تغییر رفتارهای پرخطر موتورسواران اثر گذاشته شود.»

متخلفان، موتوریار می‌شوند

«موتورسواران متخلف پس از آموزش به‌عنوان موتوریار با پلیس همکاری می‌کنند.» سرهنگ امین رضاپنـــاه، رئیـــس اداره تصادفات و مهندســـی ترافیـــک منطقه ۲ این اقـــدام را طرح جایگزین برای موتورســـواری دانست که قوانین رانندگی را رعایـــت نمی‌کنند. او افـــزود: «موتورســـواران متخلف می‌تواننـــد انتخـــاب کننـــد که موتورشـــان بـــه پارکینگ منتقل شـــود یا اینکـــه در کنـــار پلیس یکســـری اقدامـــات اجتماعی را همسو با ارتقای فرهنگ ترافیک انجام دهند. موتورسواران متخلف در طـــول اجرای طـــرح موتوریار پس از آگاهی از مـــوارد تخلف و خطـــرات ناشـــی از آن، با نظارت پلیس در معابر و چهارراه‌ها کنار پلیـــس قرار می‌گیرنـــد و موظف می‌شـــوند کارهایی مانند هدایت مسیر ترافیکی، تذکر به رانندگان و موتورسواران متخلف و... را انجام دهند.»

کسب و کارهایی که به خاطرات قدیمی بازار تجریش پیوسته‌اند

یاد چلنـــگرها و سفیدگرها بخیر!

مرضیه موسوی

نخستین مغازه‌های بازار تجریش حجره‌های کوچکی بودند که در ورودی خانه‌های این محله ایجاد شده بود و دری جداگانه، حریم آنها را از بقیه ملک جدا می‌کرد. معمولاً دری هم از داخل مغازه به خانه راه داشت تا رفت‌وآمد کاسبان به خانه و مغازه راحت‌تر انجام شود. مغازه‌های این بازار محلی برای عرضه کالاهایی بود که نیاز ضروری اهالی تجریش را تشـــکیل می‌داد؛ از زغال تا داس و تبر برای کشاورزی و گیوه‌کشی و حصیربافی و چیزهای دیگر. با گذشت زمان و تغییر سبک زندگی مردم تجریش، کسب و کار در این بازار هم شکل دیگری به خود گرفت. کاسبان قدیمی بازار تجریش از تعدادی از کسب و کارهایی می‌گویند که امروز هیچ رد و نشانی از آنها در تجریش نیست.

حصیربافی
زنبیل و زیراندازهای سازگار با طبیعت

هنوز پلاســـتیک راهش را در گوشـــه و کنار زندگی اهالی شـــمیران باز نکرده بود و حصیربافی رونق زیادی داشت؛ از سبد و زنبیل تا جانونی و زیرانداز و... در مغازه‌های حصیربافی بازار تجریش به فروش می‌رفت. «سید عباس صالحی» از قدیمی‌های بازار تجریش می‌گوید: «حصیربافی بیشـــتر در امامزاده قاســـم(ع) و نیاوران رونق داشت. دلیلش هـــم این بود که اطراف این ۲محله نیـــزار زیاد بود و مردم از نی‌های روییده در آنجا برای بافت حصیر اســـتفاده می‌کردند. یک مغازه در بازار تجریش بود که فقط به فروش این محصولات حصیری اختصاص داشـــت و بـــارش را از امامزاده قاســـم(ع) و نیاوران مـــی‌آورد. مغازه‌های دیگری هم بودند که کارگر و صاحب مغازه در آن بـــه بافتن حصیر مشـــغول بودند و مشتری می‌آمد و هرچه می‌خواست از میان بافته‌ها جدا می‌کرد و می‌خرید.» کم‌کم سر و کله پلاستیک که پیدا شد بازار حصیربافی در تجریـــش هم از رونق افتاد. ســـفره‌ها و زیراندازهـــا و ســـبد و زنبیل‌های حصیری جای خود را به کالاهـــای بادوام‌تری دادند که تازه مد شـــده بود؛ کالاهایی که رنگ و تنوع بیشـــتری داشتند اما اغلب با طبیعت ناسازگار بودند و پایان عمرشان، زباله روی دست خریداران باقی می‌گذاشتند.

سید عباس صالحی
کاسب بازار تجریش

چلنگرها
قبل از آغاز درو، داس‌ها را تیز می‌کردند

اهالی تجریش باغ داشتند یا کشاورز بودنـــد. داس و تبرهایشـــان را هـــم در دکان‌هـــای چلنگـــری همین بـــازار تیز می‌کردند؛ همـــان مغازه‌هایی که در آنها ملاقـــه و چاقوی آشپزخانه‌شـــان را هم درســـت می‌کردند. صالحـــی می‌گوید: «اســـتفاده از داس و تیشـــه و تبر آنقدر مرســـوم بود کـــه در بازار چنـــد مغازه چلنگری باز شـــود و از صبح تا شـــب چکش روی آهن بکوبد و به آن شـــکل بدهـــد. مردم تـــا لحظه آخر از وســـایلی که داشـــتند اســـتفاده می‌کردند. داسشان اگر کند می‌شد یا اگر دسته تیشه‌شان می‌شکست آن را در همین چلنگری‌ها دوباره تعمیر می‌کردند. قبل از فصل درو داس‌هـــا را آماده می‌کردند تا ســـر زمین کسی کارش لنگ نماند. چاچک ضربه‌هایی که ایـــن چلنگرها روی آهن می‌کوبیدند همیشـــه در بـــازار به گوش می‌رسید.» چلنگرهای بازار تجریش ملاقه و کفگیرهای محله را هم می‌ســـاختند. ملاقه‌های بزرگ مخصوص هم زدن آش و خورشت‌های مهمانی، بیشتر سفارشی بود که صاحبان هیأت‌ها طالب آنها بودند یا خانه‌های پر رفت و آمدی که هیچ‌وقت از مهمان خالی نمی‌شد.

گردوفروشی
باتوق دوره گردان سرپل

گردوفروشـــی مغازه بزرگـــی در بازار بـــود که در آن کارگـــران ردیف کنار هم می‌نشســـتند و گردوهـــای تـــازه را فال می‌کردند. محصول گردوی باغ‌های اطراف یکراست به این مغازه می‌رسید و همین‌جا با مهارت کارگران کارکشـــته فال می‌شد تا غروب روی ســـینی دوره‌گردان سرپل تجریش جا خوش کند. «حسن صاحبی» از قدیمی‌ترین کاسبان بازار تجریش که خانه‌اش هم در همین بازار بود می‌گوید: «فصل گردو که می‌شد، صدای تق و تق شکستن گردو از مغازه گردوفروشی بازار به گوش می‌رســـید. دوره‌گردهای سرپل غروب از راه می‌رسیدند و گردوهای فال شده را روی سینی‌های خود می‌گذاشتند و ســـر پل تجریش می‌بردند تا بفروشند. ۶ یـــا ۸ فـــال گردو را داخـــل یک ظرف می‌گذاشتند و ۲شاهی می‌فروختند. این دوره‌گردهاچـــنان در چیـــدن فال گردو روی هم مهارت داشـــتندکه هم بتوانند ســـینی را روی شانه‌هایشان بلند کنند و راه برونـــد و هم با نمای زیبای گردوهای تازه، دل مشتری را ببرند. فصل گردو که تمام می‌شد در مغازه لبو آماده می‌کردند یـــا توت. باز هم دوره‌گردهای ســـرپل به این مغـــازه می‌آمدنـــد و خلاصه هرچه محصول روز بود در ســـینی می‌ریختند و ســـرپل می‌بردند تا بفروشند.» سر پل بهار و تابستان بازار گرمی داشت و هر روز هفته گروه‌های خاصی در آن می‌پلکیدند و تفریح می‌کردند: «معروف بود که بازار شب شنبه بازار تهرانی‌هاست. یهودی‌ها شب یکشـــنبه بیشـــتر در بازار بودند و مسیحی‌ها شب دوشنبه بیشتر پیدایشان می‌شـــد. هوا خوب بـــود و مجالی برای اینکه چند ساعتی در سرپل تفریح کنند و گشتی بزنند. شـــهریور ماه که می‌شد شمرونی‌ها می‌گفتند باد غریب‌گز آمده؛ سرمایی که سوز آن غریبه‌ها را از شمیران دور می‌کرد و تا رسیدن فصل گرما خبری از آنان نمی‌شد.»

سفیدگری
کسب و کار تماشایی

دیگـــها و قابلمه‌ها از مس ســـاخته می‌شد یا روی که به آن روحی می‌گفتند. تمیز کردن و سفیدکاری این ظروف کار هر کســـی نبود و تخصص خاص خود را می‌طلبید. قدیمی‌هـــای بازار تجریش خاطرات خوشـــی از ســـفیدگری و رویگـــری بازار دارند. صاحبی می‌گوید: «مغازه ســـفیدگری چاله‌ای داشت که در آن ماسه می‌ریختند. بالای این چاله میلـــه بلندی بود که شـــاگرد مغازه‌ها وقتی داخل گـــود می‌رفتند از ایـــن میله می‌گرفتنـــد. داخل دیگ می‌ایســـتادند و میلـــه را می‌گرفتنـــد و بـــه چـــپ و راســـت می‌چرخیدند. اغلب شـــعری هم می‌خواندند و حرکاتشان موزون‌تر می‌شد. تماشای ســـفیدگری و رویگری همیشه برای اهل بازار و مردمی که در بازار تردد می‌کردند جالب بود.» سکوهای پیرنشین روبه‌روی مغازه سفیدگری همیشه تحت اشـــغال افرادی بود که بـــرای نفس تازه کردن و تماشـــای حرکات ســـفیدگران دقایقی می‌نشستند.

حسن صاحبی
کاسب بازار تجریش

اصطبل‌داری
بارانداز بازار تجریش اینجا بود

بازار تجریش ۳ اصطبل مهم داشـــت کـــه بارانداز بازار هم به حســـاب می‌آمد و تاجرانی که از مازندران یا روســـتاهای کوهستانی شـــمیران به ســـمت تهران روانه می‌شـــدند به آنجـــا می‌رفتند. بار و بنه اســـب و قاطرهـــا را باز می‌کردند و اگر جنســـشان در بـــازار تجریش طالب داشت، می‌فروختند. کاروانسرای کوچکی کنار اصطبل‌ها برای شب‌مانی ایـــن کاروان‌ها و تاجـــران راه افتاده بود تا کســـی شب بدون سرپناه نماند. صاحبی می‌گوید: «از دروازه شـــمیران تهران تا تجریـــش بیابان بـــود و زمین خالی. اگر تاجـــری در تاریکی شـــب پا به این راه می‌گذاشت بی‌یرو برگـــرد دزدان و راهزنان همـــه اجناســـش را از او می‌دزدیدند و احشـــام را هم در بیابـــان رها می‌کردند. پس اگر کســـی قصد تهران رفتن داشت و از راه دور می‌آمـــد، شـــب را در همین حجره‌ها می‌ماند و اسب و قاطر را تحویل اصطبل‌دارها می‌داد تا آب و غذایی به آنها بدهند. بارانداز بازار هم در ورودی همین اصطبل‌ها بود تا تاجران بتوانند اجناس را به راحتی از گرده حیوانات پایین بیاورند و موقـــع رفتن راحت بـــار بزنند و راهی شوند.»

دیدار با فرح اصولی
مینیاتوریست برجسته و همسایه ما در شهرک غرب

اینجا قرار بود محله‌ای آرام و دنج باشد

مرضیه موسوی

«فرح اصولی» را با آثار مینیاتورش می‌شناسیم؛ هنرمندی که ترکیبی از نقاشی مدرن و هنر سنتی مینیاتور را در آثارش می‌توان دید. آشنایی او با تئاتر، سینما، انیمیشن، ادبیات، هنرهای سنتی ایرانی و... او را به زبان مخصوص خود در هنر رسانده و شاخصه آثار اوست. اصولی بیش از ۳۰ سال است که در شهرک غرب سکونت دارد و آتلیه‌اش را در همین خانه برپا کرده است. او می‌گوید: «اینجا قرار بود محله‌ای آرام و دنج باشد. خیابان سیمای ایران که من در آن زندگی می‌کنم خیابان خلوت و آرامی بود. اما این روزها گاهی تا ۳ ردیف ماشین کنار هم در آن پارک می‌کنند؛ انگار همه ما وسط یک پارکینگ بزرگ زندگی می‌کنیم. ولی هنوز این محله برای من دوست داشتنی است. به‌خصوص اینکه از ۱۰ سال پیش‌بین بزرگراه و منزل ما در شهرک، فضای سبز زیبایی ساخته شده است که می‌توان در آن کمی پیاده‌روی کرد و به آرامش رسید.» به بهانه ثبت جهانی هنر مینیاتور ایرانی در فهرست آثار نامانوس جهانی یونسکو با او به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

۳ دهه از سکونت شما در شهرک غرب می‌گذرد. آیا این محله توانسته انتظارات شما به‌عنوان یک شهروند را تأمین کند و باعث شود در این سال‌ها تعلق محلی در شما شکل بگیرد؟

۳۰ سال است که در محله شهرک غرب سکونت دارم و به این محله علاقه‌مند هستم. اینجا قرار بود محله‌ای آرام و دنج باشد و ایده‌آل برای ساکنانش که خب نشد. این روزها شهرک غرب به محله‌ای شلوغ و سردرگم تبدیل شده که خیلی با آنچه از آن انتظار داشتیم فاصله دارد. ساخت مراکز تجاری، رستوران‌ها، مدارس و دانشگاه آزاد و وزارتخانه و فضاهای دیگر در این محله، آسایش را از ساکنان اینجا گرفته است. خیابان سیمای ایران که من در آن زندگی می‌کنم خیابان خلوت و آرامی بود که این روزها گاهی تا ۳ ردیف ماشین کنار هم در آن پارک می‌کنند؛ انگار همه ما وسط یک پارکینگ بزرگ زندگی می‌کنیم. اما هنوز این محله برای من دوست داشتنی است. به‌خصوص اینکه از ۱۰ سال پیش‌بین بزرگراه و منزل ما در شهرک، فضای سبز زیبایی ساخته شده است که می‌توان در آن کمی پیاده‌روی کرد و به آرامش رسید.

به‌عنوان هنرمندی که سال‌ها در حوزه گرافیک کار کرده است کدام نماهای بصری شهر و کدام منظره‌ها را بیشتر دوست دارید و به شما احساس رضایت از فضای عمومی شهر می‌دهد؟

من همیشه به باغ‌آرایی ایرانی علاقه داشتم؛ هنری که ریشه چند هزار ساله در ایران دارد و خلاقیت زیادی در آن می‌توان دید. در تمام تهران هرجا فضای سبز و بوستانی وجود دارد به نظر من منظر زیبایی ایجاد شده و قابل تحسین است. اما در همین فضاهای سبز و بوستان‌ها مجسمه‌ها و آثار حجمی می‌بینیم که چندان تناسبی با فضا ندارند. من فکر می‌کنم تنها ۵درصد از این مجسمه‌ها که در فضاهای شهری تهران به چشم می‌خورند ارزشمند هستند و بقیه این آثار زیبایی و نظم این بوستان‌ها را بر هم می‌زند. متناسب نبودن این مجسمه‌ها صرفاً به دلیل اندازه آنها نیست. گاهی از متریال نامناسب استفاده شده است و گاهی زیبایی خاصی در آن دیده نمی‌شود. حتی برخی از این آثار حس تجسمی انسان را جریحه‌دار می‌کند. آنچه به ما کمک می‌کند در طراحی فضاهای شهری موفق باشیم استفاده از تجربه و اندوخته‌های گذشته ماست. مثلاً طراحی باغ در ایران بخشی از فرهنگ و هنر ماست و ما سابقه‌ای طولانی در این هنر داریم. این هنر از گذشته‌های بسیار دور می‌آید و به مرور زمان تغییر شکل داده و به پختگی رسیده است. ما همچنان در این زمینه خوب هستیم. شما به هرجای ایران که نگاه کنید باغ‌های بسیار زیبا و خوب می‌بینید. اما سال‌های زیادی ما هنر مجسمه‌سازی نداشتیم. این هنر جدیدی در ایران به حساب می‌آید. به همین دلیل شاهدیم که در فضاهای شهری مجسمه‌ها و آثار حجمی وجود دارد که با فضا همخوانی ندارد. من فکر می‌کنم اگر قرار است در منظر عمومی شهر از آثار هنری استفاده کنیم باید نسبت به چگونگی آن آگاهی داشته باشیم. از طرفی فکر می‌کنم در شهرسازی ما خودروها در اولویت هستند و به انسان‌ها آن‌طور که باید و شاید توجه نشده است. محله ایده‌آل و شهر ایده‌آل شهری است که در آن انسان‌ها بتوانند با آرامش و بدون تهدید خودروها و آلودگی و ترافیک و مشکلات دیگر زندگی کنند.

شما گرچه به‌عنوان یک مینیاتوریست در عرصه هنر شناخته شده هستید اما از سایر هنرها در آثارتان بهره‌می‌گیرید و تلفیقی از هنرهای مختلف به‌خصوص هنرهای بومی و سنتی ایران را در آثارتان به نمایش می‌گذارید. ترکیب و تناسب این هنرها در کنار هم چگونه در آثار شما پدید می‌آید؟

در دوره‌های مختلف تخصص و تجربه‌های زیادی به دست آورده‌ام. برای هرکدام از هنرهایی که یادگرفته‌ام ارزش قائلم و همه آنها را با علاقه و جدیت دنبال می‌کنم. هیچ چیزی در سطح و ظاهر مرا مجذوب خود نمی‌کند.لایه‌های زیرین و باطن و محتوای هر چیز است که توجه مرا جلب می‌کند. به این فکر می‌کنم که اصلاً چرا این هنر وجود دارد؟ کارکردش چیست؟ به همین دلیل در دورانی که تئاتر و سینما کار کردم، بازیگری و گرافیک هم کار کردم. عکاسی صحنه، فیلم کوتاه، انیمیشن و... را کار کردم و شناختم. برای خیلی نزدیک شدن به اتفاق‌هایی که در هرکدام از این حوزه‌ها رخ می‌داد. سعی کردم زبان هر هنری را پیدا کنم و آن را بشناسم. من می‌خواستم راه شخصی خودم را پیدا کنم. در نهایت سر و کله همه آنچه یاد گرفته بودم از حوزه سینما و تئاتر و نمایش و روایتگری و شعر و ادبیات و گرافیک و... در کارهای من پیدا شد. من همیشه روی روایت کردن متمرکز بودم. به همین دلیل شعر و ادبیات و نمایش و انیمیشن و... به کارهای من آمدند.

محله و شهری که در آن زندگی می‌کنید و اتفاق‌هایی که پیرامون شما در این فضای شهری رخ می‌دهد تا چه اندازه در آثارتان حضور و تأثیر دارند؟ آیا همین‌قدر که آشنایی دیرینه شما با یک هنر آن را به آثارتان راه می‌دهد، حضور ۳۰ ساله شما در محله شهرک غرب که محل سکونت و آرامش شماست هم تأثیری در هنرتان دارد؟

در آثار من نمادها نقش مهمی دارند. هیچ اتفاقی که بتوان آن را به‌صورت عینی در کارها دید وجود ندارد و همه چیز در عالم خیال رخ می‌دهد. به همین دلیل نمی‌توان مشخصاً تأثیری از محله در آن دید. اما کار کردن در فضایی آرام و آرامش بخش قطعاً می‌تواند در آثار هر هنرمندی تأثیر خود را بگذارد. من فضای خانه و کارگاهی که در آن کار می‌کنم را دوست دارم. معماری خانه را دوست دارم و فکر می‌کنم همه چیز در تناسب است. از ارتفاع سقف و دیوارها تا ابعاد اتاق و چیزهای دیگر که یادم است آن سال‌ها خانم معماری با دقت و باسلیقه و ظرافت آن را اجرا می‌کرد.

> در فضاهای سبز و بوستان‌ها مجسمه‌ها و آثار حجمی می‌بینیم که چندان تناسبی با فضا ندارند. من فکر می‌کنم تنها ۵درصد از این مجسمه‌ها که در فضاهای شهری تهران به چشم می‌خورند ارزشمند هستند

محله‌ها در سال‌های گذشته رشد زیادی کرده‌اند و فضاهای مختلف فرهنگی و تفریحی به آن اضافه شده است. محله شهرک غرب تا چه اندازه از نظر امکانات فرهنگی و آموزشی غنی است و آیا شما با فضاهای موجود در این محله ارتباط برقرار کرده‌اید؟

من فکر می‌کنم در محله شهرک غرب جای چند فضای عمومی مهم خالی است. یکی از اینها وجود یک گالری خوب است. گالری که بتوان نمایشگاه‌های حرفه‌ای در آن برپا کرد و مردم را به دیدن این آثار و حمایت از هنرمندان عادت داد. از طرفی هنرمندان محلی بتوانند بدون دغدغه پیدا کردن مکانی خوب برای ارائه هنر، فعالیت کنند. سالن تئاتر خوب برای اجرای تئاترهای تجربی در محله نداریم. اما می‌توان سالنی مثل تئاتر مولوی در این محله ایجاد کرد تا باز هم علاقه‌مندان به این هنر فعالیت کنند و مردم هم از نزدیک با این هنر آشنا باشند. نه اینکه برای تماشای یک تئاتر حتماً لازم باشد خودشان را به مرکز شهر برسانند. همین‌طور سالن سینما. دایر کردن سالن سینمایی که مثلاً ۵۰ نفر بتوانند در آن فیلم ببینند و کیفیت صدا و تصویر خوبی داشته باشد در محله ضروری است. اما آنچه می‌بینیم رشد بی‌رویه مال‌ها و مراکز تجاری شهرک غرب است که آرامش اهالی را هم برهم می‌زند.

فکر می‌کنید در تهران و به‌خصوص محله‌ای که شما در آن سکونت دارید عزمی برای ساخت این مراکز یا مطالبه‌ای از طرف مردم وجود دارد؟

برای داشتن محله‌ای غنی باید هر دو این اتفاق‌ها در کنار هم رخ دهد. دایر کردن یک سالن سینما یا تئاتر حرفه‌ای در هر محله می‌تواند تأثیر درازمدتی در رشد فرهنگی آن محله داشته باشد. اما ممکن است یک گالری در محله‌ای دایر شود و تا سال‌ها سود چندانی برای گردانندگان نداشته باشد. شاید برای پاگرفتن و رونق یک گالری به یک تا ۷ سال زمان نیاز داشته باشیم. کسی که می‌خواهد یک گالری را بچرخاند به احتمال زیاد نمی‌تواند این زمان طولانی را برای رسیدن به سود اقتصادی تحمل کند. چون گالری به هر حال هزینه‌هایی دارد. از طرفی مردم هم برای دغدغه‌مند شدن در این زمینه باید آموزش ببینند و به مرور زمان به وجود این مراکز هنری و فرهنگی عادت می‌کنند. رفتن به تماشای تئاتر و اپرا و سینما را نمی‌توان یک‌شبه در بین مردم جا انداخت. اما اگر از کسانی که وارد این عرصه می‌شوند حمایت شود می‌توانند این فرهنگ را در جامعه تقویت کنند. می‌دانیم که حضور این مراکز می‌تواند در کم شدن جرم و جنایت مؤثر باشد. می‌تواند آرامش روانی جامعه را تضمین کند و اثرات بسیار مطلوبی در رشد جامعه دارد. به همین دلیل حمایت غیرمستقیم از این مراکز باید در سیاست‌های مدیران شهری قرار بگیرد. شناساندن و عادت دادن سلیقه بصری مردم به دیدن هنر ارزشمند نقش مهمی در مطالبه‌گر شدن مردم دارد.

ماه گذشته شاهد ثبت جهانی مینیاتور در فهرست هنرهای ناملموس جهانی بودیم. این ثبت جهانی و توجه به آن تا چه اندازه می‌تواند در رشد مینیاتور در دوره معاصر تأثیر داشته باشد و هنرمندان و مردم را با این هنر آشنا کند؟

ثبت جهانی مینیاتور در یونسکو به نظرم جریانی اداری است و نمی‌دانم با این اتفاق چه حمایت‌هایی از این هنر قرار است انجام شود. اما به هر حال می‌توانیم از این اتفاق خوشحال باشیم. زیرا به آن توجه شده و نام آن بر زبان افتاده است. شاخص‌ترین آثار مینیاتور جهان متعلق به ایران است اما من تأسف می‌خورم که ما در کشورمان یک موزه تخصصی در حوزه مینیاتور نداریم که با مراجعه به آن بتوانیم آثار شاخصمان در این زمینه را ببینیم. سال‌ها پیش موزه هنرهای معاصر نمایشگاهی از مینیاتورهای قدیمی ایران را راه‌اندازی و این آثار را از مجموعه‌های موزه‌های مختلف در این نمایشگاه گردآوری کرده بود. اما این نمایشگاه دائمی نبود و بعد از آن هرکسی که می‌خواست درباره هنر مینیاتور در تاریخ ایران بداند باید این آثار را به‌صورت پراکنده در کاخ گلستان و موزه‌های دیگر دنبال می‌کرد. تازه اگر در آن مقطع زمانی این آثار نمایش داده شده باشد و امکان بازدید از آن وجود داشته باشد. بسیاری از هنرمندان این عرصه و علاقه‌مندان به هنر مینیاتور آرزوی دیدن این آثار را دارند. اما امکان و فرصتی برای آن فراهم نیست. آثار مینیاتوری قدیمی که ما اکنون در ایران داریم گنجینه مهمی است که می‌تواند سرمایه فرهنگی ما باشد. گاهی برتری هنری از برتری نظامی قدرت بیشتری به ما می‌دهد و می‌توانیم با اتکا به این برتری‌های هنری بدرخشیم. در حالی که این آثار فاخر و زیبای ما صلح‌جویانه و پر از عشق و محبت و زیبایی است.

تنها موزه مینیاتور تهران

سال ۱۳۸۰ بود که موزه فرشچیان در مجموعه تاریخی سعدآباد افتتاح شد؛ موزه‌ای برای نمایش آثار مینیاتور استاد فرشچیان. «مهناز اسدالله» سرپرست موزه استاد فرشچیان می‌گوید: «عمارتی که موزه فرشچیان در آن دایر شد قبلاً محل زندگی عصمت الملوک بود و بعدها به‌عنوان انبار مجموعه سعدآباد از آن استفاده می‌شد. موزه فرشچیان با نمایش قریب به ۶۰ اثر از شاخص‌ترین آثار استاد محمود فرشچیان افتتاح شد. همه آثار به نمایش درآمده در این موزه اصل است و تنها ۳ کپی از آثار در موزه وجود دارد.»

استاد فرشچیان نخستین نگارگری است که این هنر را از کلیشه‌های سابق خود بیرون آورده و مضامین عرفانی و اجتماعی به این هنر بخشیده است. سرپرست موزه فرشچیان می‌گوید: «شاخص‌ترین آثار استاد را می‌توان در این موزه دید. یکی از مهم‌ترین آثار این موزه‌خوان سوم رستم نام دارد. تبحر استاد در استفاده از اکرلیک در آثار مینیاتور و نگارگری در این آثار به خوبی قابل لمس است. فارغ از ابعاد هنری آثار فرشچیان که از ابعاد پرسپکتیو و تنوع رنگ برخوردار است، دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی ایشان را هم می‌توان در آثار به خوبی دید. جدیدترین اثری که از استاد در موزه وجود دارد اثری است با مضمون محیط‌زیست.»

موزه استاد فرشچیان در کاخ سعدآباد نمایشگاهی دائمی برای نمایش آثار این هنرمند معاصر است. در کنار این آثار دائمی، نمایشگاه‌های موقتی از آثار هنرمندان معاصر در موزه برگزار می‌شود. طی دوره کرونا ورکشاپ و نمایشگاه مجازی در موزه، برگزار و با استقبال علاقه‌مندان این رشته روبه‌رو شده است. اسدالله می‌گوید: «استادان برجسته‌ای در رشته نگارگری و مینیاتور در این نمایشگاه‌ها حضور دارند و آثارشان در موزه به نمایش در می‌آید. با شیوع کرونا و ممنوعیت بازدید از موزه‌ها، تمرکز ما بیشتر روی فعالیت‌های مجازی بوده. این ورکشاپ‌ها و نمایشگاه‌های مجازی به افرادی که در تهران حضور ندارند هم فرصت داده است تا آنلاین در برنامه‌های ما حضور داشته باشند.»

موزه مینیاتور را بیشتر بشناسیم

موزه مینیاتور گالری موزه‌ای دارد که در آن آثار به‌صورت موضوعی به نمایش درآمده‌اند. در کنار این آثار دائمی محلی برای نمایشگاه‌های موقت در این موزه هم وجود دارد. برپایی نمایشگاه موقت در ماه بخشی از فعالیت‌های نمایشگاه موقت موزه فرشچیان است. برای بازدید از این موزه کافی است خود را به خیابان ولی‌عصر(عج)، خیابان شهید فلاحی، انتهای خیابان شهید کمال طاهری برسانید. بازدید حضوری از این موزه به دلیل شیوع کرونا ممنوع است و برای بازدید مجازی از آثار این موزه می‌توانید به نشانی www.sadmu.ir مراجعه کنید.

گفت‌وگو با «نگار سماک‌نژاد» نخستین بانوی دونده فوق استقامت ایران

خودم رقیب خودم هستم

«نگار سماک‌نژاد» دونده جوان از اهالی محله قیطریه است. او بعد از تحصیلات در مقطع دکترای رشته علوم شناختی از کالیفرنیا به ایران آمد و اکنون عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم شناختی مغز دانشگاه شهید بهشتی و همچنین مربی دو استقامت است. علاقه‌اش به دو طبیعت و کوهستان او را به مسابقات بزرگ و مطرح کشاند و رکوردهای خوبی در مسابقات UTMB (معتبرترین رویداد تریل رانینگ دنیا) به ثبت رساند و کافی است نامش را در سایت ULTRA TRAIL WORLD TOUR جست وجو کنید تا به‌عنوان یکی از صد دونده برتر زن دنیا در رشته فوق استقامت اسم او را ببینید. موفقیت‌های او دلیل گفت‌وگوی ما با او در بوستان پردیسان، محل تمریناتش شد.

زهرا کریمی

هوای سرد زمستانی است و مسیر پیاده‌روی بوستان پریسان میزبان ورزشکاران. در میان دونده‌ها سماک‌نژاد در حال نرمش‌های بعد از ورزش است. او درباره علاقه‌اش به این ورزش به ظاهر ساده می‌گوید: «از وقتی یادم می‌آید ورزش بخشی از زندگی‌ام بود. اما نه ورزش دویدن. شنا، اسب‌سواری، کوهنوردی و آمادگی جسمانی را می‌گویم. در یک برهه از دوره کودکی در رشته دو سرعت در باشگاه شهید کشوری ثبت‌نام کرده بودم. خوب دویدن دونده‌ها برایم جالب بود. بدن‌های ورزیده و سالم آنها توجهم را بیشتر به ورزش جلب کرد. می‌دانستم که این ورزش مادر ورزش‌هاست. همیشه دونده‌های دو استقامت برایم آدم‌های عجیب و غریبی بودند. با خودم می‌گفتم چگونه می‌توانند این همه زمان را بدوند. باورش برایم سخت بود.» لبخند می‌زند و از خودش می‌گوید: «واقعیت این است که در انجام کارها اختلال توجه دارم و برای انجام کارهای ثابت نمی‌توانم یکجا بنشینم و تمرکز داشته باشم. به‌عنوان مثال نمی‌توانم مانند برخی از افراد ساعت‌ها مشغول کتاب خواندن یا تماشای فیلم شوم. درباره این اختلال تحقیق کردم و متوجه شدم با دویدن می‌توانم آن را برطرف کنم. وقتی شروع به دویدن کردم متوجه تأثیرات خوبی در خودم شدم. ابتدا ۱۵ دقیقه، بعد ۲۰ دقیقه و بعد به نیم ساعت یا بیشتر از آن رسید. روزهایی که می‌دوم فعالیت بیشتری در طول روز دارم؛ مقاله می‌خوانم و پژوهش انجام می‌دهم و در کل باید بگویم بعد از دویدن حس خوشایند و حال خوشی دارم.»

از سانفرانسیسکو تا استانبول

افرادی که در بوستان هستند با او و فعالیت‌هایش آشنایی دارند و هنگام عبور از کنارش سلام و احوالپرسی می‌کنند. او می‌گوید: «همه ما توانایی داریم و برای موفق شدن باید تلاش کنیم. من هم دویدن را به قصد شرکت در مسابقه و کسب مقام شروع نکردم. فقط دیدم چقدر بعد از دویدن حالم خوب است و کم‌کم در این مسیر با مسابقات و رکوردها آشنا شدم. نخستین مسابقه‌ای که شرکت کردم، سال ۲۰۱۳ ماراتن سانفرانسیسکو بود. روز قبل مسابقه برای تمرین حدود ۱۲ کیلومتر دویدم که خودم را ارزیابی کنم. اصلاً می‌توانستم استقامت بدوم و هیچ تمرین دیگری نداشتم. مسافت آن مسابقه ۴۲ کیلومتر بود. خلاصه اینکه هیچ‌وقت خط پایان آن مسابقه ماراتن از نظرم دور نمی‌شود. چون بعد از پایان نتیجه خوبی گرفتم. یکی از قشنگی‌های این ورزش این است که هر کسی رقیب خودش است. در ماراتن پاریس ۶۰ هزار نفر شرکت می‌کنند و هر کسی هم می‌تواند شرکت کند و در ۵ ساعت باید دویدن را تمام کنند. بحث مثلاً ۱۰ یا ۲۰ نفر اول جداست ولی بقیه در مسابقه رقیب خودشان هستند. زمانی که از خط پایان گذشتم به خودم گفتم این ورزش، ورزش من است و حالا می‌دانم باید چه‌کاری انجام بدهم و از آنجا به بعد برایم جالب شد.» بانوی ورزشکار می‌گوید: «چند سال بعد خیلی اتفاقی در مسابقات دو کوهستان آزادکوه شرکت کردم. در آن مسابقه هم جزو آخرین نفراتی بودم که به خط پایان رسیدم. اما از آن مسابقه به بعد دو ماراتن کوه و طبیعت وارد زندگی‌ام شد. در یکی از سخت‌ترین مسابقات ترکیه به اسم الاداغلار توانستم رتبه سوم را کسب کنم و از آن به بعد مسابقات را جدی گرفتم.»

به هم دست مریزاد بگوییم

سماک‌نژاد می‌گوید: «خاطرات زیادی از دویدن در کوچه‌ها و خیابان‌های کالیفرنیا و تهران دارم. خیلی وقت‌ها برای تصمیم گرفتن به خیابان‌های محله قیطریه می‌روم و حدود ۵ کیلومتر می‌دوم. گاهی هم که وقت ندارم در همین کوچه‌پس‌کوچه‌های اطراف خانه می‌دوم. تهران نیاز دارد که چهره‌اش دونده شود. اهالی نسبت به فعالیتم شناختی ندارند. اما گاهی از نگاه‌هایشان پیام‌های خوبی می‌گیرم. شاید آنها هم از تماشای دویدن من در شهر پیامی دریافت کنند و این انتقال پیام، چهره شهر را دونده کند. گاهی بعضی کلمات تأثیر شگرفی در تقویت توانایی افراد می‌گذارد. مثل همین یک کلمه آفرین، دست مریزاد و دمت گرم.»

کرونا افراد را بیشتر به سمت ورزش سوق داد

او درباره کرونا و شرایط موجود هم حرف‌هایی برای گفتن دارد: «اگر ویروس کرونا زندگی عادی مردم را مختل کرده است اما کمک بزرگی برای شکل‌گیری سبک جدیدی از زندگی در جامعه به همراه داشته است. به هر حال رعایت فاصله‌های اجتماعی و تعطیلی ورزش‌های گروهی و تجمعات باعث شد شهروندان به بوستان‌های محله‌شان توجه ویژه‌ای داشته باشند. زمانی که می‌خواستم به ایران برگردم نگران بودم که نتوانم مانند کالیفرنیا به راحتی در کوچه بدوم و خب نگرانی‌ام جایز بود. چون واقعاً جای دونده‌ها در شهر تهران خالی است. اما ویروس کرونا همه افراد از دانش‌آموز، مرد، زن، دکتر، مهندس، هنرمند و... را برای ورزش‌های انفرادی مانند دویدن و طناب زدن به بوستان‌ها، خیابان‌ها و حیاط‌های منزلشان آورده است. این صحنه‌ها حال مرا خوب می‌کند. امیدوارم مسئولان شهری و ورزشی زودتر تدابیری برای ترویج فرهنگ‌های گمشده بیندیشند.»

متولد سال ۱۳۵۷
دارای مدرک دکترای علوم شناختی از دانشگاه کالیفرنیا
عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم شناختی مغز دانشگاه شهید بهشتی
رکورد ۴۴ ساعته در مسابقه بو تی‌ام بدون استراحت
دارای رکورد دو ماراتن در ۳ ساعت و ۴۵ دقیقه

بزرگ‌ترین خانه بهداشت روستایی شمیرانات «در افجه» پزشک دائمی ندارد

دکتر کجایی؟ بگو کجایی؟!

مرضیه موسوی

خانه بهداشت افجه در زمینی ۵ هزارمترمربعی ساخته شده است؛ زمینی که موقوفه یکی از اهالی قدیمی برای تأمین نیازهای حوزه بهداشت و سلامت مردم روستا بود و ساختمان آن هم در دوره‌های مختلف به دست خیران، اهالی، دهیار و شورای روستا بازسازی شده است. با این حال اتاق‌های ساختمان نونوار این مرکز خالی از حضور پزشکان دائمی است و تنها ۲بهورز خدمات بهداشتی اولیه مثل اندازه‌گیری قد و وزن و بررسی فشار و قندخون را انجام می‌دهند. تلاش‌های دهیاری و شورای روستا برای دریافت مجوز برای حضور دائمی پزشک در این مرکز بی‌نتیجه بوده و فقط ۲روز در هفته در ساعات محدودی، پزشک عمومی به این خانه بهداشت می‌آید. اهالی روستای افجه برای دریافت خدمات اولیه پزشکی مجبور به طی مسافت ۵ کیلومتری برای رسیدن به لواسان هستند. جای خالی امکانات پزشکی و درمانی در این روستا یکی از دلایل مهاجرت اهالی طی سال‌های اخیر از افجه به لواسان یا تهران است.

قدیمی‌های روستای افجه خانه بهداشت این روستا را به خاطر دارند که از زمان پهلوی اول وقف روستا شد. ۲پزشک شبانه‌روز و ۲پزشک نیمه وقت در این مرکز به اهالی روستا خدمات درمانی ارائه می‌دادند و حتی از روستاهای دیگر هم بیمارانی بودند که به افجه مراجعه کنند. خانه بهداشت افجه از زمان ساخت تاکنون چند بار به دست اهالی روستا و شورا و دهیاری بازسازی شده است. آخرین بار همین ۵ سال پیش بود که بنای تازه‌ای در زمین ۵ هزارمترمربعی خانه بهداشت ساخته شد. با این حال تنها ۲بهورز در این مرکز مشغول ارائه خدمات بهداشتی اولیه به اهالی روستا هستند و روزهای یکشنبه و سه‌شنبه به مدت ۲ساعت پزشک عمومی در این خانه بهداشت مستقر است. «حمزه صفا» دهیار افجه می‌گوید: «خانه بهداشت افجه بزرگ‌ترین خانه بهداشت روستاهای شمیران و شهر تهران است. زمین این خانه بهداشت را یکی از اهالی قدیمی محله از دوران پهلوی اول وقف مردم کرد؛ با این نیت که مردم به امکانات بهداشتی و درمانی دسترسی داشته باشند. اما سال‌هاست در این مرکز فقط ۲بهورز خدمات اولیه بهداشتی مثل اندازه‌گیری قد و وزن و بررسی فشارخون ارائه می‌کنند. پزشک عمومی حضور محدود چند ساعته در مرکز دارد و اهالی برای دریافت خدمات بهداشتی و درمانی مورد نیازشان عملاً مجبورند به لواسان یا تهران بروند.»

> بهورزان خانه بهداشت اجازه تزریق پنی‌سیلین را هم ندارند و اهالی برای یک تزریق ساده باید ۵ کیلومتر راه را به سمت لواسان بروند

بقیه روستاها هم متوقع می‌شوند

خانه بهداشت زیرنظر دانشگاه شهید بهشتی اداره می‌شود و مجوزهای لازم برای حضور پزشک و استقرار امکانات و تجهیزات پزشکی باید از طریق این نهاد صادر شود. دهیار روستای افجه از بی‌نتیجه بودن پیگیری‌ها طی سال‌های گذشته می‌گوید: «خانه بهداشت افجه وسعت زیادی دارد. اما اتاق‌ها و سالن‌های این مرکز بدون استفاده مانده است. بارها از مسئولان دانشگاه شهید بهشتی درخواست کرده‌ایم که اجازه حضور پزشک و استفاده از تجهیزاتی مثل یونیت دندانپزشکی و امکانات دیگر را به ما بدهند. ما برای حضور پزشکان و تجهیز اینجا هیچ هزینه‌ای از دانشگاه شهید بهشتی نمی‌خواهیم. بلکه فقط به مجوز استفاده از اتاق‌های خالی این مرکز نیاز داریم. خیّرانی حاضر شدند در این مرکز یونیت دندانپزشکی و تجهیزات دیگر مستقر کنند. ما هم دستمزد پزشک و دیگر هزینه‌ها را تقبل می‌کنیم. اما با این درخواست‌ها موافقت نشده و خانه بهداشت تقریباً بدون استفاده باقی مانده است. پاسخی که از مسئولان در این‌باره شنیده‌ایم این است که اگر به افجه مجوز حضور دائمی پزشک بدهیم در بقیه روستاها هم این توقع ایجاد می‌شود که پزشک دائمی و خدمات بیشتری ارائه کنیم.»

حمزه صفا
دهیار افجه

پرجمعیت‌ترین روستای شمیرانات

روزگاری افجه بزرگ‌ترین روستای لواسان بود. آخرین سرشماری که سال ۱۳۹۵ در افجه انجام شد جمعیت این روستا را هزار و ۴۰۰ نفر تخمین زده است. با این حال به گفته «مهدی لاری» عضو شورای روستای افجه، جمعیت این روستا اکنون بیش از ۲ هزار نفر است. او می‌گوید: «یکی از بهانه‌هایی که برای تخصیص نیافتن پزشک به خانه بهداشت افجه به میان می‌آید جمعیت این روستاست. در حالی که جمعیت تخمین زده شده در سرشماری سال ۱۳۹۵ با جمعیت فعلی روستا یکی نیست. ما بیش از ۲ هزار نفر جمعیت ساکن در روستا داریم و در ماه‌های گرم سال جمعیت روستا بیشتر هم می‌شود. چون تعداد زیادی از خانواده‌ها به تهران یا لواسان مهاجرت کرده‌اند و در فصول تابستان و بهار به اینجا برمی‌گردند. اکنون تنها در همین خانه بهداشت هزار و ۷۰۰نفر پرونده پزشکی دارند.» خانه بهداشت ساختمان بزرگی است که فقط در یکی از اتاق‌های آن ۲بهورز خدمات اولیه بهداشتی را به اهالی ارائه می‌کنند و به گفته یکی از آنها بهورزان اجازه تجویز هیچ دارویی را ندارند. در حالی که بیماری‌های فصلی، سرماخوردگی و این روزها کرونا، نیاز اهالی روستا برای دسترسی راحت به مرکز درمانی را بیشتر کرده است. لاری می‌گوید: «بهورزان خانه بهداشت اجازه تزریق پنی‌سیلین را هم ندارند و اهالی برای یک تزریق ساده باید ۵ کیلومتر راه را به سمت لواسان بروند. هرکسی در ساعاتی به جز ساعات تعیین شده برای حضور پزشک مریض شود نمی‌تواند از خدمات بزرگ‌ترین خانه بهداشت روستایی لواسانات استفاده کند. در واقع حضور محدود این پزشکان هم چندان گرهی از کار اهالی باز نمی‌کند.»

مهدی لاری
عضو شورای روستای افجه

مهاجرت از روستا

مهاجرت از افجه یکی از معضلاتی است که طی سال‌های گذشته زندگی در روستا را تحت تأثیر قرار داده است. ظرفیت‌های آموزشی و بهداشتی و خدماتی در روستا نسبت به سال‌های گذشته کمتر شده و بسیاری از خانواده‌ها در جست‌وجوی این امکانات به لواسان و تهران مهاجرت کرده‌اند. «محسن شیراسب» عضو شورای روستا می‌گوید: «روزگاری در افجه شعبه بانک داشتیم. دانش‌آموزان همه مقاطع تحصیلی امکان درس خواندن در روستا را داشتند. خانه بهداشت پزشک دائمی داشت و امکانات دیگر در روستا به چشم می‌خورد. اما کم شدن امکانات مختلف در روستا طی سال‌های گذشته باعث مهاجرت اهالی شده. خانواده‌ای که فرد بیماری عضو آن است چگونه می‌تواند ریسک زندگی در روستا راپذیرد که پزشک در آن نیست؟ همین مسأله به خالی شدن روستا از جمعیت دامن می‌زند. هر خانواده‌ای که این روزها توان مهاجرت از افجه را داشته باشد برای رفاه بیشتر هم که شده از اینجا می‌رود. در حالی که با فراهم کردن امکانات اولیه ساده‌ای در روستا می‌توان مردم را به ماندن در روستا و حفظ زندگی روستایی در افجه تشویق کرد.»

عکس‌ها: علیرضا مهندسی

شیوه طراحی و انتخاب مصالح در ساختمان‌های شهر تهران به روایت داور دومین نمایشگاه و همایش نما

وقتی معماری حال شهر را خوب می‌کند

راحله عبدالحسینی

طراحان، معماران و مسئولان شهری بار دیگر در کنار هم جمع شدند تا با همفکری بتوانند برای ساختمان‌های بلند و کوتاه و معماری ناهمگون پایتخت نسخه‌ای بپیچند. بایدها و نبایدها، معضلات، کمبودها و... بار دیگر به بحث گذاشته‌شد تا راهی باشد برای‌اینکه یک دهه آینده وقتی به ساختمان‌های نوساز تهران نگاه می‌کنیم، نفس راحتی بکشیم و قدری حالمان خوب شود. «هومن بالازاده» یکی از داوران و کارشناسان معماری حاضر در دومین نمایشگاه و همایش نما (طراحی، اجرا، مصالح و صنایع وابسته) که هفته گذشته در بوستان گفت‌وگو برگزار شد معتقد است باید مقیاس نگاه به معماری تهران را قدری کوچک‌تر کرد و برای پهنه‌های ریزتر معماری همگون در نظر گرفت تا شاید بشود در مقیاس کلان هم شکل بهتری داشته‌باشیم.

به نظر شما خروجی نمایشگاه‌هایی از این دست می‌تواند امیدوارکننده باشد تا قدری از این معماری نامنظم و ناهمگون پایتخت در آینده کاسته‌شود؟

اگر همایش‌ها به یک بیانیه در سیاستگذاری و بازنگری قوانین برسد خیلی مفید خواهد بود. سعی داریم در این همایش‌ها فرصتی ایجاد کنیم که دغدغه‌های معماران و طراحان را به گوش مسئولان شهرداری و دیگر تصمیم‌گیرنده‌های مسائل شهر برسانیم. مثلاً قانون می‌گوید استفاده از شیشه در نما کم باشد. اما شیشه به روش‌های مختلفی در نما به کار می‌رود. می‌توانیم با بازنگری‌ها و بازتعریف الگوی نما به این شکل که ترکیب مصالح چگونه می‌تواند از نظر استراتژی‌های طراحی پروژه‌های پیش‌رو را یک گام به جلو ببرد، طراحی جدید انجام دهیم.

بازتعریف این الگوها می‌تواند ما را از معماری کلیشه‌ای خارج کند؟

در بسیاری از موارد می‌توانیم الگوها را بازنگری کنیم و از کلیشه‌ها خارج شویم. این اتفاق مستلزم این است که افرادی که در کمیته‌های نما فعالیت می‌کنند با طراحان تعامل بیشتری داشته‌باشند. برای موضوعاتی هم از قبیل یکپارچگی نماهای شهری یا ایجاد قالب همگنی که می‌تواند در شهرها رخ دهد، لازم است علاوه بر کمیته‌های نما، در سیاست کلان‌تر دیده‌شود. به‌عنوان مثال به جای بافت شهری، روی مصالح نما در جایی که تعدد مصالح یا رنگ زیاد است تمرکز کنیم. در واقع باید جدارهای شهری در مقیاس یک به ۲۰۰ نگاه شود و ببینیم در این جدارها چه اتفاقی باید رخ دهد که به نفع شهر باشد. باید نگاه بلندمدت به معماری شهر باشد ولی فعلاً چنین رویکردی در شهر وجود ندارد.

به هر حال زیبایی‌شناسی در معماری و رعایت اصول معماری ایرانی قربانی توسعه و ضرباهنگ تند ساخت‌وساز در تهران شده‌است. به نظرتان می‌شود نسخه‌ای برای بهتر شدن حال معماری شهر پیچید؟

بدنه شهری در نبود متولی برای معماری شهر، توسط سرمایه‌گذاران تعریف می‌شود. آنها هم به سلیقه خودشان یا به سلیقه بازار جلو می‌روند. در این صورت در معماری شهر فاجعه رخ می‌دهد و در عمل باید سال‌ها بگذرد تا آثار این معماری پاک شود. وقتی در طرح شهری یا برنامه‌ریزی شهری مقیاس ریزتری را نگاه نمی‌کنیم این فجایع رخ می‌دهد. شهرداری‌ها و کمیته‌های تخصصی علاوه بر کمیته نما باید متولی باشند. الگوهای انعطاف‌پذیر ولی هم راستا با سیاست شهری تعریف شود تا پروژه‌ها به سمتی برود که فقط منافع شخصی ملاک نباشد و اول از همه منافع شهری دیده شود. در این صورت می‌شود شهر به سمتی برود که اتفاقی که آرزویش را داریم رخ دهد و شهر ما شخصیت مستقلی داشته‌باشد.

فقط تهران است که شخصیت مستقلی ندارد؟

نه فقط تهران. اگر از تهران به اصفهان، تبریز، بندرعباس و... برویم، خیلی قابل تشخیص نیست که در کدام جغرافیا هستیم. در صورتی که در روند اصولی نباید چنین باشد. در شهرهایی که اختلاف دمای تابستان و زمستان ۶۰ درجه سانتی‌گراد است همان مصالحی در نما استفاده می‌شود که در تهران. در برخی شهرها اقلیم اقتضا می‌کند که بیشتر روی یک مصالح خاص تمرکز شود.

به نظر شما معماری شهر چقدر می‌تواند برای شهروندانش حال خوش ایجاد کند؟

اصولاً وقتی شهری با جغرافیای خودش همسو باشد و یک جریان برد برد داشته باشد، یعنی هم برای ساکنانش رضایت‌بخش باشد و هم طراحان و معماران، قطعاً حال خوب هم جاری می‌شود. وقتی هر کسی به نفع خودش بخواهد کار را پیش ببرد، نتیجه این می‌شود که شهر به جنگلی از ساختمان‌های ناهمگن تبدیل می‌شود. در این آشفته بازار هم هیچ‌کس حالش خوب نمی‌شود. چون هر کسی به نفع خودش شهر یا ساختمانش را به سمتی می‌برد. همان‌طور که گفتم این مسائل باید متولی جدی داشته باشد. طوری که ۱۰سال آینده نگوییم ای‌کاش قبلاً درباره مصالح، نمای ساختمان و طراحی آن فکر جدی کرده‌بودیم.

از هرج و مرج بصری بکاهیم

امینه اعتمادی
معمار

«امینه اعتمادی» یکی از معمارانی است که به واسطه طراحی ۲ساختمان در محله‌های کامرانیه و زعفرانیه توانسته رتبه برتر منطقه یک را از آن خود کند. او فارغ‌التحصیل کارشناسی دانشگاه علم و صنعت و کارشناسی ارشد دانشگاه هنرهای زیبای تهران است. اعتمادی از ویژگی طراحی‌اش می‌گوید: «از متریال سفید رنگ استفاده کردم که مفهوم برف را در ذهن مخاطب تداعی کند و تا جایی که امکان دارد به رنگ و مصالح شهری باری اضافه نشود.» استفاده حداقلی از خطوط برای کاهش خطوط بصری شهر یکی از دیگر از ویژگی‌های کار اوست: «در شهر به اندازه کافی با خطوط شلوغ روبه‌رو هستیم. می‌خواستم با حداقل خطوط کار را پیش ببرم.» اعتمادی درباره طراحی‌هایی که تاکنون انجام داده است می‌گوید: «بیشتر کارفرمایان به نمای کلاسیک علاقه دارند که به نظر من با معماری بومی ما سازگار نیست. نماهای کلاسیک به شهر ما الحاق شده‌است و با فرهنگ ما جور درنمی‌آید. زمانی هر معماری باسلیقه خودش نمای مدرن کار می‌کرد. از سال ۱۳۹۲ داشتن پروانه نما اضافه و باعث شد تا قدری از آشفتگی نمای ساختمان‌های شهر کاسته شود.» اعتمادی ادامه می‌دهد: «هر شهری تاریخ و فرهنگ و اصالتی دارد که در معماری ساختمان‌هایش هم هویداست. مثلا در سن پترزبورگ بسیار به ساختمان‌هایی که در دوره‌های معماری مختلف ساخته شده است اهمیت می‌دهند و آن بناها حفظ می‌شود.» او معتقد است که نباید برای یک شهر نماهای خاصی را اجبار کرد: «درست است که در شهر از نظر معماری اغتشاش بصری داریم ولی اگر برای یکدستی بخواهیم یک نما را پیاده کنیم باز هم به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم. باید به همجواری ساختمان‌ها، خط آسمان و اقلیم هم توجه کنیم. ۲ده پیش با حجم بالای ساخت‌وساز در پایتخت، معماری و نمای ساختمان را به موج معماری تازه سپردیم که اصولی نبود. حالا هم نمی‌شود حذفشان کرد. اما می‌شود از هرج و مرج بیشتر جلوگیری کرد.»

عکس: امیر پناهپور

ساختمان سازگار با اقلیم شمیران در ازگل

هومن بالازاده در محله ازگل ساختمانی مسکونی طراحی کرده که درباره آن بیشتر برایمان توضیح می‌دهد: «سعی داشتم را در پروژه‌های کوچک مقیاس مطرح کنم و بگویم که چگونه می‌شود گردش هوای طبیعی و ایجاد فضای سبز را در پروژه‌های مسکونی و فضاهای قابل انعطاف برای ساکنان تعریف کرد. خارج شدن از الگوی رایج برای آپارتمان‌های روی همکف بوده که بتواند فضاهای باز و نیمه باز را در درون پروژه توسعه دهد. زندگی در یک فضای کوچک ولی با امکانات مختلف و با چرخش هوا، نورطبیعی و استفاده حداکثری از فضای سبز در ارتباط با عملکردهای درونی از اساسی‌ترین اهداف طرح است. در این پروژه محدودیت ابعاد زمین ۱۰ در ۲۲متر، ما را به چالش شکل‌دهی فضای راه پله به فضای نیمه باز در یک محور سوق می‌دهد که نقش راه پله فقط یک ارتباط ساده نیست؛ بلکه این فضا، حیاط، آسمان و هوای طبیعی را با یکدیگر مرتبط می‌کند. تمامی فضای سکونتی از طریق این امکان دارای گردش هوای طبیعی هواست. کیفیت راه‌پله به‌عنوان یک فضای نیمه‌باز در درون ساختمان نقش رابط بصری با فضای حیاط، آسمان و افق دید شهری است که همچون دهلیزی درک همزمان بیرون و درون را میسر می‌کند. در کل مصالح هم از آجر استفاده شده. آجر مصالحی است که برای تهران از نظر اختلاف دمای تابستان و زمستان و نیز آلودگی جوابگوست. پروژه‌هایی که آجر سنتی دارند، کمتر آلودگی را در خود نشان می‌دهند ولی ساختمان‌های نما سنگ بعد از ۳دهه خیلی تفاوت ظاهری پیدا کردند و احتیاج به مرمت بیشتری دارند.»

معماری سبز در شمیران

شمیران پیش از این، بیشتر باغ بوده و ساختمان‌هایی که در دل باغ ساخته می‌شده هم از بین رفته و خراب شده است. اما می‌توانیم نگرشی داشته‌باشیم که حالا که درختان و باغ‌ها از بین رفته، رویکرد ما معماری پایدار و سبز باشد. به اینکه چطور می‌توانیم ساختمان‌هایی بسازیم که مصرف انرژی کمتری داشته‌باشند تا هوای شهرمان بهتر شود یا از انرژی‌های پاک بهره‌ببریم یا مصالحی را استفاده کنیم که با اقلیم شمیران سازگار باشد و بتواند یکپارچگی بیشتری در تهران ایجاد کند. به شرطی که قوانین هم برای شهرداری، هم برای طراح و هم برای شهروندان به‌صورت برد برد تعریف شود. با جدیت باید مقیاس نگاهمان را به شهر عوض کنیم. نمی‌توانیم با یک پهنه‌بندی و نگاه از بالا به پایین و تعریف یکسری الگوی تراکمی، معماری شهر را سامان بدهیم. در مقیاس‌های کوچک‌تر مثل یک به ۲۰۰ یا یک به ۵۰۰ وارد شویم و طراحی شهری را تعریف کنیم. باز هم باید با سازندگان همفکری و تعامل شود که در نهایت بعد از یک دهه وقتی شهروندی از آن پهنه می‌گذرد، حس مشترکی را از نظر سیمای شهری دریافت کند. این اتفاق هم شدنی است به شرطی که از همین حالا به فکر باشیم.

ساختمان‌هایی مطابق هویت و هنر خودمان طراحی کنیم

کیان آقایی
معمار

«برای طراحی از طبیعت الهام گرفتم.» «کیان آقایی» از آن دست معمارانی است که معتقد است باید مثل طبیعت زیبا و ساده فکر کرد تا همچون طبیعت زیبا و ساده زندگی کنیم. طراحی ساختمان او در محله مرزداران در دومین نمایشگاه و همایش نما حائز رتبه برتر منطقه ۲ شده‌است. او در توضیح بیشتر درباره طراحی ساختمان می‌گوید: «روبه‌روی این ساختمان در خیابانی عریض، فضای سبز واقع شده. طرح ساختمان هم طوری است که با فضا ترکیب می‌شود.» ساختمان تراس هم دارد و نما از آجر بهره‌گرفته است: «برای طراحی این نما از آخرین معماری ایران قبل از دوره پست مدرن بهره‌بردم. نمونه این طراحی در ساختمان‌های خیابان امام‌خمینی(ره) دیده می‌شود. بیشتر هم قصدم این بود که ساختمان با طبیعت همگون باشد و با فضای سبز روبه‌روی آن همخوانی داشته باشد.» او مشکل ناهمگونی معماری تهران را این‌طور برمی‌شمرد: «بی‌برنامگی و ناهماهنگی بین صاحب ایده‌هاست؛ صاحب اندیشه‌هایی که معماری ایرانی را به خوبی می‌شناسند. در نگاه کلی باید گفت معماری این شهر یا ساختمان‌های تهران مثل بوم نقاشی است که باید نقاشی زیبایی روی آن کشیده شود و در معرض دید عموم قرار بگیرد. اگر هر کسی باسلیقه شخصی دست به قلم شود، نتیجه خوبی نخواهیم داشت و تصویر هماهنگی به دست نمی‌آوریم. مثلاً اگر سلیقه روی نمای کلاسیک است، حداقل نمای کلاسیک را بشناسیم و درست استفاده کنیم نه اینکه در استفاده از نمای کلاسیک هم اعمال سلیقه کنیم. هر چند که این نما مطابق فرهنگ و معماری ما نیست.» آقایی که ساکن منطقه۲ است درباره فعالیت کمیته نما هم می‌گوید: «این کمیته نوپاست. باید ببینیم چقدر می‌تواند در پروژه‌های جدید تأثیرگذار باشد و آینده ساختمان‌های این شهر چگونه خواهد بود. من آینده روشنی می‌بینم که ساختمان‌هایی نه فقط با نمای آجر، بلکه ساختمان‌هایی مطابق با هویت و هنر ایران خواهیم داشت.»

مختصر و مفید درباره هومن بالازاده

کارشناس ارشد معماری است. حدود ۱۳۰پروژه معماری در کشور از جمله ساختمان اداری کارخانه اپتوس، کارخانه ریسندگی و بافندگی احسان‌پود، کافه اسپریس، برج اداری ـ تجاری شاهکرم، ساختمان دفتر مرکزی کارخانه آجر کهن‌سرام و... را طراحی و به واسطه فعالیت‌های متعددش، افتخارات زیادی هم کسب کرده‌است. از جمله: کسب رتبه نخست جایزه معماری «مستر پرایز» در سال ۲۰۲۰، کسب رتبه نخست بیستمین جایزه معمار سال ۱۳۹۹، برنده جایزه معمار سال ۱۳۹۸ در بخش ساختمان‌های عمومی، برنده اول مسابقه معماری «آرکیتایزر» نیویورک در سال۲۰۱۵، منتخب جایزه «وینبرگ» اتریش در سال۲۰۱۵، رتبه نخست مسابقه معماری آسیا ترکیه در سال۲۰۱۵، برنده اول معماری داخلی در ایران و طرح منتخب در مسابقه بین‌المللی داخلی WAF در بارسلون در سال۱۳۸۹.

ضرب‌الاجل به مالکان گودهای پرخطر

رفع‌خطر و ایمن‌سازی این گودها در دستور کار شهرداری منطقه ۳ قرار گرفته است

حسن حسن‌زاده

ایمن‌سازی، رفع خطر یا از ســـرگیری ساخت بنا در چند گود پرخطر منطقه ۳ سال‌هاست که به درخواست اصلی ساکنان نزدیک گود، اهالی و شورایاران این محله‌ها تبدیل شده است؛ گودهایی که در حاشیه‌پیاده‌روهای شلوغ یا در مجاورت ساختمان‌های مسکونی و تجاری پررفت و آمد قرار گرفته و سال‌هاست به حال خود رها شده‌اند. در برخی از این گودها هیچ نشانی از اجرای پروژه ساختمانی دیده نمی‌شـــود و در برخی دیگر هم ابتدایی‌ترین اصول ایمن‌سازی و ساخت سازه نگهبان رعایت نشده است. از آنجایی که گودهای رها شـــده و پرخطر تهدیدی جدی برای ساختمان‌های اطراف و عابران پیاده محســـوب می‌شود شهرداری منطقه پیگیر الزام مالکان این گودها به ایمن‌سازی و رفع خطر است. سری به چند گود پرخطر منطقه ۳ زده و در گفت‌وگو با شورایاران، کارشناسان عمران و مسئولان شهرداری به سرنوشت این گودهای پرخطر پرداخته‌ایم.

گود پردردسر تقاطع میرداماد و ولی‌عصر(عج)

۱۰ ســـال اســـت که حصار کارگاهی و دیواره فلزی اطراف یک گود رها شده به منظره ثابت تقاطع خیابان ولی‌عصر(عج) و بلوار میرداماد تبدیل شده است. گودی به عمق بیش از ۲۰متـــر که یک دهه در این تقاطع پر تردد جا خوش کرده و انگار دیگر خیال تبدیل شدن به یک ساختمان بلندبالا را در سر ندارد. «آرش ثمری‌نیک» رابط و عضو هیأت‌رئیسه شورایاری منطقه ۳ از جزئیات این گود رها شـــده می‌گوید: «حدود یک دهه پیش بود که خاکبرداری برای ساخت یک مجتمع تجاری در این ملک آغاز شد. حالا ۱۰ سال از آغاز خاکبرداری می‌گذرد و همچنان این پروژه به شکل یک گود عمیق و پرخطر در یکـــی از پررفت و آمدترین نقـــاط منطقه ۳ به حال خود رها شده اســـت.» گود پرخطر تقاطع خیابان‌های میرداماد و ولی‌عصر(عـــج) که حالا دیگر به نام مالکش به گود علوی معروف شده است از شـــرق به پیـــاده‌رو پر تردد خیابان ولی‌عصر(عج)، از شمال به گذر پررفت و آمد میرداماد، از جنوب به یک ساختمان در حال ساخت و از ضلع غرب به مجتمع تجاری پایتخت محدود می‌شود. اما موقعیت این گود ۱۰ســـاله که هیچ نشـــانی از اجرای پروژه ساختمانی در آن دیده نمی‌شـــود این روزها بیش از گذشته باعث نگرانی اهالی محله کاووســـیه شـــده اســـت. ثمری نیک ادامه می‌دهد: «در چند قدمی ضلع شـــمال گود و در ابتدای بلوار میرداماد، یکی از پرمسافرترین ایستگاه‌های تاکسی منطقه قرار دارد. اگر از تردد بی‌وقفه وســـایل نقلیه در این تقاطع شـــلوغ خیابان‌های ولی‌عصر(عج) و میرداماد چشم‌پوشـــی کنیم، بیشـــترین تهدید این گود پرخطر متوجه مجتمع تجاری پایتخت در ضلع غربی گود است؛ مجتمعـــی که در طول یک روز گاهی تا حدود هزار نفر مراجعه‌کننده دارد. اهالی محله کاووسیه نگران نشست زمین، ریزش این گود پرخطر هستند.»

آرش ثمری‌نیک
رابط و عضو هیات رئیسه شورایاری منطقه۳

هشدار برای مالک گود بلوار میرداماد

گود همجوار مجتمع پایتخت از ســـوی شهرداری منطقه ۳ به‌عنوان یکی از گودهای پرخطر این منطقه معرفـــی شـــده و قرار اســـت به‌زودی کارهایـــی برای رفع خطر و ایمن‌ســـازی آن انجام شـــود. بنرهای زردرنگی که شـــهرداری به تازگـــی روی حصار کارگاهـــی اطراف گود نصب کرده است اهالی محله کاووســـیه را به پایان کابوس ریزش این گود امیدوار می‌کند. بنرهای نصب شـــده از صدور اخطار دوم شهرداری به مالک گود و الزام به رفع خطر و ایمن‌سازی آن حکایت دارند. با توجه به موقعیت ویژه این گود و اخطار شـــهرداری به مالـــک، وضعیـــت ایمنی گود علوی را از یک کارشـــناس مطلع جویا می‌شـــویم. «علـــی جمزاد» کارشـــناس عمران و دبیر کارگروه عمـــران و حمل‌ونقل شـــورایاری محله کاووســـیه از رعایت نشدن اصول ایمنـــی در ســـازه نگهبان این گود عمیـــق و خطرات جدی آن می‌گوید: «ســـازه نگهبان یک ســـازه موقت اســـت کـــه در یک بـــازه زمانی کوتاه تا زمان شـــروع ساخت‌وساز بنا، گود را ایمن‌سازی و از ریزش آن جلوگیری می‌کند. به‌طـــور کلی برای مهـــار کردن و ایمن‌ســـازی گودها ۴ روش اصلی وجـــود دارد. روش‌های نیلینگ یا میخ‌کوبی، انکراژ یا مهار کششی، مهار فشاری و ساخت سازه از بالا به پایین. اما در سازه نگهبان گود علوی مشـــکلات و نواقص بســـیار زیادی دیده می‌شـــود که این گود را به یک گود پرخطر تبدیل کرده اســـت. در این گود از روش ساخت ســـازه استفاده شده و روی سازه را هم به شـــکل کاملاً غیراصولی بتن کرده‌اند. اکنون ســـازه نگهبان این گـــود با توجه به روش اجـــرا و پایان عمر مفید سازه، توانایی تحمل فشارهای جانبی را ندارد. از طرفی در ایمن‌سازی گود از اجرای روش‌های میخ‌کوبی یا مهارکششی هم خبری نیست. اگرچه شهرداری پس از تشکیل کمیسیون رفع خطر و گرفتن دستور قضایی برای مالک، اخطار رفع‌خطر یا ایمن‌ســـازی صادر کرده است اما با توجه به وضعیت خطرناک این گود امیدواریم زودتر برای ایمنی‌سازی آن وارد عمل شود.»

علی جمزاد
کارشناس عمران

همسایه پرخطر ساختمان سفارت

در ناحیه ۶ منطقه ۳ و در محدوده محله کاووسیه، یک گود پرخطر دیگر وجـــود دارد. گود عمیق تقاطع بلوار نلسون ماندلا و خیابان ستاری هم حدود یک دهه اســـت که به حال خود رها شده و نگرانی‌های بسیاری برای عابران پیاده و همسایه‌ها ایجاد کرده است. جمزاد از جزئیات این گود پرخطر می‌گوید: «خاکبرداری این ملـــک هم حدود ۱۰ ســـال پیش آغاز شـــد و قرار بود ســـاختمان یک مؤسســـه خیریه در آن بنا شود. اما به دلیل بروز مشکلات قضایی برای مالک یا مالکان، پروژه ســـاخت این بنا هرگز آغاز نشد و حالا ۱۰ سالی است که این گود ۳۷ متری در تقاطع خیابان‌های نلســـون ماندلا و ستاری به حال خود رها شده است.» این گود پرخطر از شـــرق به خیابان پرترافیک نلسون ماندلا، از جنوب به خیابان ســـتاری، از شمال به یک ساختمان در حال ســـاخت و از غرب به یک ساختمان مسکونی قدیمی محدود می‌شود. اگرچه حصار کارگاهی اطراف گود میان عابران، رهگذران و گودال ۳۷ متری آن سوی حصار فاصله انداخته، اما موقعیت مکانی این گود است که اهالی و شـــورایاران محله را بیـــش از پیش نگران می‌کند. جمزاد ادامه می‌دهد: «خیابان نلســـون ماندلا تقریباً در تمام ساعات شبانه‌روز شلوغ و پر تردد است. به دلیل موقعیت اداری و مسکونی محله، عابران بسیاری هم در طول روز از پیاده‌رو حاشیه گود عبور می‌کنند. از طرفی تأسیسات شهری مثل تأسیسات آب، گاز و برق هم از این تقاطع اصلی می‌گذرد و با توجه به مساحت و عمق گود، نشســـت زمین یا رانش آن، ســـاختمان سفارت لهستان و بخش‌های از خیابان پر تردد نلسون ماندلا را هم تهدید می‌کند.» بررســـی‌های کارشناسی شورایاران و مهندســـان عمران هم از خطرات جدی و نواقص ایمن‌سازی این گود عمیق خبر می‌دهد. جمزاد در این‌باره می‌گوید: «سازه‌های نگهبان عمر مفید دارند و پـــس از آن دیگر کارآیی خود را از دســـت می‌دهند. اگرچه برای ایمن‌ســـازی این گـــود از روش نیلینگ یا میخ‌کوبی استفاده شده بود ولی همان ایمن‌سازی اولیه هم به چند ســـال پیش برمی‌گـــردد. در واقع مواردی مثل بارندگی، جریان آب‌های سطحی، ترکیدگی لوله آب در اطراف گودها و... با گذر زمان باعث تغییر شکل خاک، از بین رفتن کارآیی سازه نگهبان گود و در نتیجه ناپایداری آن می‌شود. بنابراین گود تقاطع خیابان‌های نلسون ماندلا و ستاری یکی از گودهای پرخطر منطقه محسوب می‌شود.»

گود بدسابقه بن‌بست مهتاب

ردپای گودهـــای پرخطر منطقه ۳ در محله آرارات هم دیده می‌شود. ساکنان محله آرارات نشست زمین و ریزش گود نبش کوچه مهتاب ســـوم را از یاد نبرده‌اند؛ گود بدســـابقه‌ای که یکبار دل همسایه‌ها را خالی کرد و هنوز هم به تنهایی نگرانی شـــماره یک ساکنان این محدوده اســـت. «داود میرصراف» دبیرشورایاری محله آرارت می‌گوید: «بیشـــتر زمین‌های محلـــه آرارات در قواره‌های بزرگ است و همین علت مالکان و سازندگان را به ســـاخت مال‌ها، مجتمع‌های تجاری و مســـکونی بزرگ ترغیب می‌کند. ضوابط شـــهرداری برای تأمین پارکینگ مجتمع هم زمینه‌ساز گودبرداری‌های عمیق می‌شـــود و این میان برخی از این گودهای عمیق هم به دلایلی مثـــل ناتوانی مالی مالک در ادامه پروژه ساخت، مسائل حقوقی و... به حال خود رها می‌شـــوند. یکی از همین گودهای دردسرساز محله، گود تقاطع خیابان آرارات و کوچه مهتاب ســـوم است؛ گودی به عمـــق بیش از ۱۰متـــر که از ۲۰ سال پیش تاکنون به حال خود رها شـــده است. ۵ ســـال پیش بود که بخشی از این گود پرخطر با صدایی بســـیار مهیب فروریخت و آلاچیق‌هایی که انتهای کوچه برای استفاده اهالی نصب شـــده بود را بعلید. اگرچه آن حادثه خسارت جانی به همراه نداشت اما هنوز اهالی کوچه مهتاب، وحشت آن حادثه را از یاد نبرده‌اند.» گود نبش کوچه مهتاب اکنون هم در فهرســـت گودهای پرخطر منطقه ۳ قرار دارد و اهالی این محله خواستار رسیدگی سریع‌تر به وضعیت این گود و ایمنی‌ســـازی آن هســـتند. میرصراف ادامه می‌دهد: «محله آرارات به دلیل وجود باغ‌های قدیمی، قنات‌های زیادی دارد که از زمین‌های بالادست سرازیر می‌شوند؛ قنات‌هایی که البته مسیر بسیاری از آنها در روند ساخت‌وسازها تغییر کرده است. از آنجایی که در خیابان آرارات و در بالادست کوچه مهتاب چند پروژه ساختمانی نوساز و درحال ســـاخت وجود دارد، اهالی نگران تغییر مسیر آب قنات‌های بالادست به سوی این گود و افزایش احتمال ریزش دوباره آن هستند.»

داود میرصراف
دبیرشورایاری محله آرارت

۷ گود رها شده در منطقه ۳ وجود دارد.

۱۴ گود منطقه رفع خطر و ایمن‌سازی شده است.

۱۷ گود در مرحله اجرای پروژه ساختمانی قرار دارد.

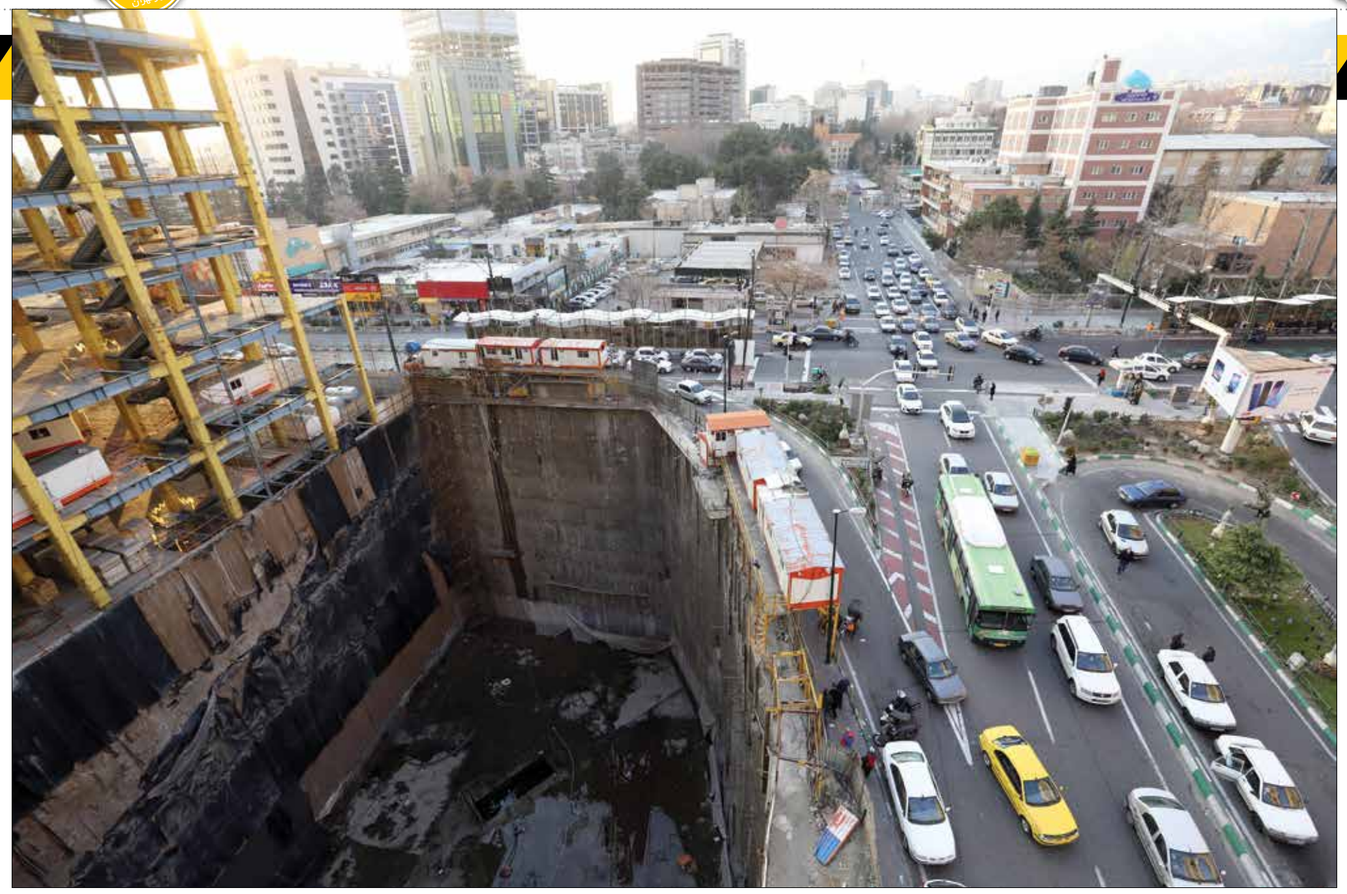

مسئول نهادهای معاونت شهرسازی و معماری شهرداری منطقه ۳:

در صورت بی‌توجهی مالک، گود را پر می‌کنیم

شهرداری منطقه ۳ برای الزام مالکان گودهای پرخطر این منطقه به رفع‌خطر و ایمن‌سازی گود وارد عمل شده و با صدور اخطار به مالکان، زمینه ایمن‌سازی این گودها را فراهم کرده اســـت. «محمد رهبر» مسئول نهادهای معاونت شهرســـازی و معماری شهرداری منطقه ۳ در این‌باره می‌گوید: «۷گود رها شده در منطقه ۳ وجود دارد که برای همه این گودها حکم دادستانی گرفته شده و با نصب بنر اخطار رفع خطر به مالک یا مالکان این گودها ابلاغ شده است تا برای آغاز مجدد پروژه ساختمانی یا رفع خطر وارد عمل شوند. در غیراین صورت، شهرداری موظف است براســـاس حکم دادستانی برای رفع خطر گود وارد عمل شود. این احکام، ابلاغ و برای رفع خطر، ایمن‌سازی یا آغاز مجدد پروژه به مالکان مهلت معین داده شده است.» رهبر از وضعیت گود همجوار مجتمع پایتخت و صدور اخطار دوم به مالک گود برای رفع خطر می‌گوید: «براساس بررسی‌های کارشناسان، عمر مفید ســـازه نگهبان گود همجوار مجتمع پایتخت به پایان رســـیده و این گود به‌عنوان یکـــی از گودهای پرخطر معرفی شده است. حکم دادســـتانی اکنون به مالک، ابلاغ و بنرهای اخطار دوم هم نصب شده است. از مالک خواسته شده برای آغاز مجدد پروژه ساختمانی یا رفع خطر وارد عمل شـــود. در غیراین صورت، پس از پایان مهلت ۲هفته‌ای تعیین شده و بی‌توجهی مالک نسبت به اخطارها، شهرداری عملیات پر کردن این گود پرخطر را شروع خواهد کرد.»

خبر خوب برای ساکنان بن‌بست مهتاب

اگرچه شهرداری منطقه ۳ گودهای پرخطر منطقه را شناسایی و به مالکان آنها برای رفع خطر و ایمن‌سازی گود ابلاغ کرده است اما وضعیت رسیدگی به گود پرخطر مقابل ســـفارت لهســـتان پیچیده‌تر از دیگر گودهای پرخطر منطقه است. محمد رهبر از شرایط ویژه این گود می‌گوید: «ملک مورد نظر به مؤســـسه فرشتگان تعلق داشت. اما به دلیل بروز مشکلات قضایی برای مالکان، دادگاه اموال این مؤسسه را توقیف و سرپرستی آن را به یکی از بانک‌ها واگذار کرده است. از طرفی عملیات ساخت بنا در این گود پس از ساخت ۳ طبقه سقف در عمق گود متوقف شده است. رفع خطر این گود با توجه به عمق زیـــاد آن حدود ۶ میلیارد تومان هزینه خواهد داشـــت. همچنین پر کردن این گود به دلیل ۳ طبقه سقفی که در گود زده شده اســـت زمینه‌ساز نشست سقف و بروز خطر برای املاک و معابر مجاور خواهد شد. برای حل این مشکل با همکاری اداره حقوقی شهرداری از دادســـرای مربوط خواســـته‌ایم با توجـــه به اینکه سرپرستی اموال این مؤسسه به یک بانک واگذار شده اســـت، مالک یا بانک مورد نظر را مکلف به ایمن‌سازی گود تا ســـطح معبر کند.» او از اقدامات شهرداری برای رفع خطر این گود می‌گوید: «کارشناســـان شهرداری وضعیت گود را به‌صورت مستمر رصد می‌کنند تا از بروز حادثه جلوگیری شود. در روند عملیات گودبرداری به نهرهای اطراف گود آسیب وارد شده بود که با اقدامات شهرداری، مشکلات برطرف شده است.»

خبر خوش برای اهالی محلـــه آرارات آغاز عملیات ایمن‌ســـازی و رفع خطر گود نبش کوچه مهتاب سوم است. محمد رهبر می‌گوید: «پس از صدور اخطار و ابلاغ به مالکان گودهای پرخطر، مالـــک گود پرخطر کوچه مهتاب سوم به تازگی اقدامات لازم برای ایمن‌سازی، رفع خطر و تقویت دیوار جانبی گود را شروع کرده است.»

مناطق ۱ ۲ ۳ یهنه شعالی شهر تهران

● **صاحب امتیاز:** مؤسسه همشهری
● **سردبیر:** مهدی علیپور
● **تحریریه:** شهره کیانوش‌راد/ زهرا کریمی
مرضیه موسوی/ راحله عبدالحسینی
سحر رمضانعلی‌پور/ حسن حسن‌زاده
● **مدیر هنری:** کامران مهرزاده
● **صفحه‌آرایی:** محمدرضا محمدی‌تاش/ علی حسنی / میلاد رفاقتی
فائزه توکلی
● **حروفچینی و تصحیح:** منیژه خسروآبادی/ اعظم آجوربندیان/ فهیمه شیرازی

● **نشانی:** خیابان ولی‌عصر(عج) نرسیده به پارک وی کوچه تورج پلاک۱۴ ● **کد پستی:** ۱۹۶۶۶۵۳۳۸ ● **صندوق پستی:** ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ● **تلفن:** ۲۳۰۲۳۱۰۰ ● **دورنگار:** ۲۳۰۲۳۴۸۸

گپ با مسئول

امیرحسین چیذری
مدیر مرکز علوم ستاره‌شناسی:

«بمب آتشفشان» به موزه دارآباد آمد

به تازگی تعدادی بمب آتشفشان به نمونه‌های زمین‌شناسی موزه دارآباد، اضافه و سنگ‌های این مجموعه کامل شده است. این سنگ‌ها از نظر علمی ارزش بالایی دارند. به این بهانه با «امیرحسین چیذری» مدیر مرکز علوم ستاره‌شناسی گپ کوتاهی درباره تأثیر وجود این بمب‌ها در موزه زده‌ایم.

این سنگ‌ها چرا به بمب آتشفشان شناخته می‌شوند؟

زیرا یک بمب آتشفشانی توده‌ای از سنگ مذاب است با قطر ۶۴ میلیمتر که هنگام خروج مواد مذاب از دهانه آتشفشان از قطعات چسبناک گدازه تشکیل می‌شود. این توده‌های مذاب قبل از اینکه به زمین برسند، سرد و به تکه‌های جامد تبدیل می‌شوند و چون به سرعت سرد شده‌اند تبلور ندارند و دارای دانه‌بندی بسیارریز هستند که منجر به تشکیل سنگ آذرین می‌شود. بمب آتشفشانی می‌تواند کیلومترها دورتر از دهانه آتشفشان فرود بیاید و اغلب شکل‌های آنها دوکی، کروی و استوانه‌ای است که این اشکال متأثر از حرکات و چرخش سنگ در هواست.

آیا قبلاً در موزه دارآباد چنین سنگ‌هایی وجود داشت؟

در موزه ۳ویترین مربوط به معرفی سنگ‌ها هست. با ورود بمب‌های آتشفشانی این بخش نیز در حال تکمیل است. چون نمونه سنگ‌های موزه محدود است. انواع سنگ‌ها از سنگ‌های رسوبی، دگرگون و آذرین وجود دارد. آنچه در بخش زمین‌شناسی خیلی اهمیت دارد وجود انواع سنگ‌های موجود در کشور است. اکنون این بمب‌ها در فضای آزاد موزه روی پایه با شناسنامه‌ای از اطلاعات چیده شده است. این اطلاعات درباره جنس، محل پیدایش و خصوصیات شیمیایی آنهاست. بخش بمب‌های مجموعه در ابتدا ۲بمب بزرگ به طول ۲متر در موزه بود که از بمب‌های خیلی بزرگ هستند و با آوردن ۷ نمونه جدید این بخش تکمیل شد. نمونه‌هایی که در موزه دارآباد به نمایش گذاشته‌ایم مربوط به بخشی از شمال منطقه قروه در استان کردستان و به شکل‌های مخروطی کوتاه است.

بازدید از این سنگ‌ها برای چه قشری از جامعه کاربرد دارد؟

در بخش زمین‌شناسی روند تکامل و دوره اول تا سوم زمین‌شناسی به نمایش گذاشته شده و نمونه‌های مختلف این دوران به‌صورت نقاشی است که این بخش برای دانش‌آموزان مفید است تا با روند به وجود آمدن فسیل‌ها آشنا شوند. در واقع این بخش از موزه ضمن آنکه کارکرد نمایشی و سرگرمی دارد و افراد به‌عنوان اوقات فراغت می‌توانند از آن استفاده کنند جنبه آموزشی هم دارد. در بخش پژوهشی هم دانشجویان زیادی هستند که برای نمونه خاص از سنگ یا جانوران به موزه می‌آیند.

هویت

زهرا کریمی

خانه چشم‌نواز بلوار آفریقا

آنچه بی‌شک در قدم زدن از خیابان‌ها و کوچه‌های شهر به این بزرگی می‌تواند حالمان را خوش کند تماشای یک اثر هنری قدیمی است؛ مثل بنای این خانه که برگرفته از اندیشه معمارش است و حالا مانند یک اثر هنری در محله جردن می‌درخشد. این بنا شباهت‌های زیادی به آثار استاد هوشنگ سیحون دارد. در این‌گونه بناها معمار توجه ویژه به همه بخش‌ها، اجزا و کالبد کلی دارد و به کوچک‌ترین نقطه بنا با نگاه هنرمندانه اندیشیده شده است. طی چند دهه اخیر خانه‌های کوچه مریم در محله بلوار آفریقا مانند سایر کوچه‌های شهر تحت تأثیر شهرنشینی مدرن قرار گرفته و باغ‌های زیبا جایشان را به آپارتمان داده‌اند. اما باید به مالک این بنا دست مریزاد گفت که تا امروز این اثر هنری را حفظ کرده و اجازه نداده دست ویرانگری به آن برسد. مصالح این ساختمان از سنگ و بتن تشکیل شده و با به کارگیری پنجره‌های نزدیک به هم خانه نورگیر و دلباز است.

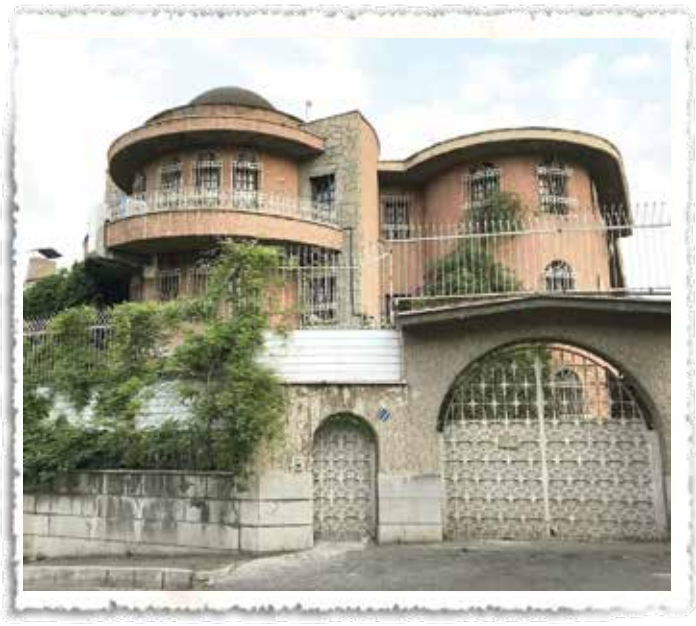

گردشگری

دیدار با مشاهیر در اراضی عباس‌آباد

تا به حال به میدان مشاهیر در اراضی عباس‌آباد سری زده‌اید؟ اینجا تندیس مشاهیر بزرگی جا خوش کرده‌اند. این میدان در ضلع جنوبی مجموعه واقع شده و از مسیر پل ابریشم به بخش شمالی اراضی متصل می‌شود. مانند دوران قدیم دروازه دارد و دروازه‌اش از جنس زمان است که وقتی از آن عبور کنید وارد سرزمین اسطوره‌های قدیم ایران و جهان می‌شوید. پیکره‌هایی تراشیده شده از سنگ و آهن که همه آنها بزرگمردان و زنان ایران و جهان هستند و بیش از ۴۰ سردیس از بزرگان تاریخ ایران زمین و ۳۰ تندیس از مشاهیر معاصر را شامل می‌شود. در بوستان ۱۵۰ هکتاری این میدان از مصالح و مواد سازگار با طبیعت بهره‌برده شده است. در این میدان از آبنمای موزیکال، برکه پرندگان، باغ گیاه‌شناسی، سایت بازی چندمنظوره فوتبال دستی، میز شطرنج، تنیس روی میز و پیست دوچرخه نیز می‌توانید استفاده کنید. اگر قصد رفتن به این میدان در اراضی عباس‌آباد را دارید کافی است از مسیر خیابان آفریقا وارد پارکینگ دیدار و سپس وارد میدان مشاهیر شوید.

اخبار فرهنگی

بانوان نجاری می‌آموزند

کارگاه‌های ۱۲جلسه‌ای آموزش نجاری ویژه بانوان در سرای محله آسمان برگزار می‌شود. «محمد جمال‌پور مطلق» مدیر سرای محله گفت: «کارگاه آموزش هنر نجاری با هدف ایجاد کسب و کار و اشتغالزایی برای بانوان راه‌اندازی شده است.» او افزود: «بانوان در این دوره‌ها با انواع ابزار برقی و دستی، انواع چوب و برش برای ساخت میز، دکوری، قاب و صندلی آشنا می‌شوند و در پایان نمایشگاهی از دستاوردهای هنری برپا می‌شود.» علاقه‌مندان به حضور در این دوره‌ها می‌توانند با شماره ۲۲۱۳۷۵۱۶ تماس بگیرند.

خبرنگار شویم

ثبت نام علاقه‌مندان به دوره‌های تخصصی خبرنگاری در مدرسه رسانه فرهنگسرای رسانه آغاز شد. دوره‌های آموزشی خبرنگاری به‌صورت حضوری روزهای چهارشنبه به مدت یک ساعت و نیم زیر نظر خبرنگاران حرفه‌ای آموزش داده می‌شود. خبرنگار کیست و فنون خبرنگاری مکتوب و تصویری در این دوره از کلاس‌ها آموزش داده می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۲۲۸۸۸۷۸۲ تماس بگیرند.

تورق با نویسندگان

خوانش بریده‌ای از کتاب‌های منتخب با عنوان «تورق» توسط نویسندگان مشهور کشور در کتابخانه هنر از اول بهمن ماه در فضای مجازی اجرا خواهد شد. «شهرزاد اولاد دمشقی» رئیس کتابخانه هنر در این‌باره می‌گوید: «این برنامه با هدف ترویج مطالعه کتاب، خوانش و لذت بردن از گوش دادن به قصه‌های مختلف اجرا می‌شود. در آغاز این برنامه آقای علیخانی کتاب‌های هاروکی موراکامی را خوانش می‌کند و توضیحاتی درباره آن می‌دهد.» علاقه‌مندان برای همراه شدن با این برنامه می‌توانند به صفحه اینستاگرام فرهنگسرای ارسباران به نشانی farhangsara_arasbaran مراجعه کنند.

فن بیان یاد بگیریم

یکی از کلاس‌های پرطرفدار در این روزها کلاس فن بیان و گویندگی است که در فرهنگسرای ابن‌سینا سلسله کارگاه‌های آموزشی آن به‌صورت مجازی برگزار می‌شود. در این کلاس‌ها علاقه‌مندان با فنون این هنر آشنا می‌شوند و به راحتی می‌توانند سخنرانی کنند. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با واحد آموزش فرهنگسرای ابن‌سینا با شماره ۸۸۳۶۶۳۶۶ تماس بگیرند.